

گرمی باد سالگرد  
قطع صدور نفت

بدست توانای نفتگران میهن مان!

دو سبده ۲۶ آذر ماه ۱۳۵۸ - شماره ۲۰ رتال

اوجگیری مبارزه توده ها، تهدیدهای اخیر "شورای انقلاب" وهشدار به تمامی نیروهای آگاه خلق

اینک سر از کدشت ۱/۵ ماهه را اعمال مبارک و پس از انجام زفراندوم کدشتی، هتسب ها کمدنفسی ناز کرده و با سوتی کردن خود سلاح سپیدوار را با دست گرفته اند. تهدید روستا نشان خو ظلت و رحمتگان بی مسکن، تهدید خاب خابها، حملتیدها حسان هوا داران سازمان معاهدس خلق و... پس از

زفراندوم کدشتی خدمتاس بی دهد! حدودیک ماه دوم را اعمال غیاب آمریکا، سکن از مراکز نوظله های امرالسی سیر غلبه خلق حاشی کدرد. در آسین فدا بوده های سلسلوسی در راه جسمانی و سبط خراب و در سجاد ممانع و کرد همناسی ها خسر و سدرت بی با سار سجد در صحنه ۲



- اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانه قند اصفهان
- سرمایه دار تنها در مقابل قدرت همبستگی کارگران حاضر به عقب نشینی نمیشود
- دو سبده از بک توطئه!
- "سود ویژه باید قطع شود!"
- اخباری از تهران و سپهرستانها

بمناسبت ۲۱ آذر: (فصلت آخر)

گرمی باد خاداره قیام پرشکوه  
خلق آذربایجان یاشاسین بیزیم ترک خلقمیز!

صحنه ۱۲



- گزارشی از مبارزات روستائیان "مست" (از دهات اطراف اراک) بر علیه سلیمان خان خانلوکی مالک ده
- گوشه ای از مبارزات دهقانان حق طلب مازندران

درافشای  
سوسیال امپریالیسم شوروی (۶۰۵)

پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم! (اول رانوبه یازدهم دیماه)



- حرفهای رحمتگان از سرباز رحمتگان صفحه ۵
- جشن ملی صفحه ۶
- جشن دانش آموزی صفحه ۸
- زفراندوم قانون اساسی آمریکا (۲۱) صفحه ۱۰
- رسته های سحران مسکن در ایران (۲۱) صفحه ۱۶
- گرمی با داخ طره سیدا صفحه ۲۰

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ اوگیری ...

خود را نسبت به امیربالیسم نشان داده و خواست های واقعا صدمه میرسانی خود را صدها و هزارها بار به کوچ و خیابان و مدرسه و دانشگاه و ... آورده است. هم آوازی ظاهری هیئت حاکمه با موج خروشان خلق، و هاپیوی های "ضد امیربالیستی" "شورای انقلاب" چه بسا که نیروهای مترقی و انقلابی خلق را نیز دچار توهم نموده است. در این میان تبلیغات رویزیونیستی مزب توده نیرا شکار اهداف خرابکاری در جنبش توده ای را دنبال میکنند. در این مدت آنها تلاش کرده اند حرکت انقلابی توده ها را در همان چهارچوب اهداف و پیرامون های رژیم به مازش و تسلیم بکشاند. اما اینک بین ارگندست ۱/۵ ماه از اشغال سفارت، و پیرا از انجام بر سر اقدام کدانی هیئت حاکمه که سعی تازه کرده و با "قانونی کردن خود به اهداف رسیده است. سلاج تهدید و اراغاب به دست گرفته و به استقبال همین نموده ای و سرکوب نیروهان آگاه خلق می رود. قبیل از اینکه به اولین نشانه های این سیاست "شورای انقلاب" (و کلا هیئت حاکمه) اشاره کنیم لازم است نظری به کارنامه ۱/۵ ماهه اخیر آن سیاست را هم:

**کارنامه ۱/۵ ماهه "شورای انقلاب"**

در مقابل شور و حرارت ضد امیربالیستی توده ها، "شورای انقلاب" درست همان خطی را دنبال کرده است که دولت خیانتکار بازرگان طی کرده و درست همان راهی را رفته است که خود ۹ ماه تمام همراه بازرگان می رفت: در ۱/۵ ماهه اخیر ویس از "سقوط دولت بازرگان، نیک دلار سرما به امیربالیستی صادر شده، و نیک قرارداد با سارت آورا میر - با لیستی لغو و فاش گردیده است. ولی در مقابل بخاطر تمام خیانت هایی که نسبت به منافع خلق ما در طی ۹ ماه حکومت بازرگان و شوروی انقلاب و با شدت آفای خمینی از آنها صورت گرفته است. بخاطر اینکه سرما به های خلق ما را همچنان به مانگیهای امیربالیستی سپرده - اند، بخاطر اینکه قدمی برای لغو و فاشا و تجدید قرارداد های نفتی برداشته نشده است، بخاطر اینکه ... مجلس "خبرگان" سرما به داری و با ستورا به رسمیت شناخته است و ...

آری، بخاطر تمام این خیانت هایی که هیئت حاکمه مرتکب شده است امیربالیسم از موضع ابتکار عمل با خلق ما برخوردار نمیکند. و با قدرت تمام بر روی پیمان های ما در با نکهای خود دست می گذارند و سهام ایران را در شرکت بین المللی کروب توقیف میکنند. کار تر خرید و نفت از ایران را قطع میکند و جلوی صدور کالا به ایران را می گیرد و ...

بدین ترتیب ملاحظه می کنیم در حالیکه خلق ما بر علیه امیربالیسم می عر دو امیربالیسم به خلق ما چنگ و دندان نشان می دهد "شورای انقلاب" در همان خط ۹ ماه حکومت

بازرگان که خط حمایت از نظام سرمایه داری وابسته و سرما به داران بزرگ و منافع امیر - بالیسم است حرکت می کند و فقط داد و کمال ضد امیربالیستی راه می اندازد تا توده ها را فریب دهد و تلاش می کند افشای اسناد امیربالیستی را در افشاگریهای بسیار کم اهمیت دانشجویان خط امام خلاصه کند. وی میخواهد به توده ها چنین وانمود سازد که مبارزه بر علیه امیربالیسم در همین چهار دیواری سفارت و با زگرداندن شاه خلاصه میشود!

اما از آنجا که در میهن ما مبارزه بر علیه امیربالیسم، از مبارزه بر علیه سرما به داری وابسته جدا نیست، مبارزه بر علیه امیربالیسم از مبارزه بر علیه زمین داران بزرگ جدا نیست، مبارزه بر علیه امیربالیسم از مبارزه برای کسب آزادیهای دموکراتیک، حقوق ملی و ... جدا نیست و خلاصه از آنجا که مبارزه بر علیه امیربالیسم از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی جدا نیست، بنا بر این "شورای انقلاب" نتوانسته و نخواهد توانست با عوامغریبی هایی که حول اشغال سفارت انجام میدهد مبارزه ضد امیربالیستی و دمو - کراتیک خلقهای ما را بسند بکشد، و یکماه ونیم اخیر نیز همین واقعیت را نشان میدهد: خلقها و در پیشا پیش آنان زحمتکاران بر علیه امیربالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه میکنند.

کارگران آگاه جنوب، نفتگران مبارز شرکت های وابسته و امیربالیستی سدکو و ... این شرکتها را ملی اعلام میکنند. نفتگران دلیر شرکت لاوان جد او استار ملی شدن شرکت های وابسته نفتی، لایکو، پان آمریکن، سو فیبران و مواد دره، سرما به های امیربالیستی آنها هستند ... در سایر نقاط کارگران همچنان مبارزه خود را بر علیه سرما به داران وابسته و بزرگ ادامه می دهند.

در همان زمان مبارزه خود را بر علیه زمین داران بزرگ و خون آشام شدت بخشیده - اند و زمینهای آنان را بانبغ خود صادر می - کنند.

زحمتکاران بی سرپناه، به آپا رتشانها و خانه های سرما به داران بزرگ و فراری حمله میکنند و آنها را بانبغ حوضیپ مینمایند. - خلقها و در پیشا پیش آنها خلق کورد مضم و استوار برای گرفتن حق خود مختاری واقعی مبارزه میکنند.

**دور جدیدی از تهدید و اراغاب**

**آغاز می شود**

بنا بر این "هیئت حاکمه" زمانی که می بیند نتوانسته است مبارزه ضد امیربالیستی توده ها را صرفا در شمارا و اشغال سفارت خلاصه کند و زمانی که با سرهم بندی رفتارندم کدانی قانون اساسی خود را "قانونی" نموده است، دست بکار میشود تا بلکه جنبش توده ای و

نیروهای انقلابی را تحت فشار قرار داده و سرکوب نماید.

تصویبات نامه ها و فرمانها شای که پس از رفتارندم و در روزهای اخیر شاهدش هستیم، در واقع نشانه های اولیه سیاست سرکوبگرانه ای است که "شورای انقلاب" در پی اجرای آنست، سیاستی که چیزی جز ادامه سیاست ۹ ماهه دولت بازرگان یعنی شریک قبلی است. که اکنون نیز به خیانت خود ادامه میدهد، نیست.

عنوان کردن طرح "خودگردانی" بجای "خودمختاری" واقعی در مذاکرات کردستان و بحث رادیو و تلویزیونی هیئت اعزامی شورای انقلاب به کردستان (دوروز قبیل از آغاز مذاکره) نشان میدهد که آنان مانند گذشته نه می - خواهند و نه میتوانند حقوق حقه خلق کرد و دیگر خلقها را به آنها بدهند. قطع مذاکرات کردستان در روزهای اخیر و نقل و انتقالات نظامی دولتی در کردستان، نشانه ای از این واقعیت است.

مدور فرمان آیت الله خمینی در مورد جلوگیری از صادره زمینهای بزرگ زمین - داران و آپا رتشانها و خانه های سرما به داران بزرگ و معاصبه سخنگوی وزارت کشور در این مورد، و تهدید زحمتکاران روستائی و شهری که در صورت صادره زمین ویا ممکن به مجازات - های سنگین خواهند رسید، از جمله جدیدترین اقدامات برای سرکوب جنبش توده ای است و این فرمان و تهدید زمانی صورت میگیرد که جنبش روستائی اوج تازه ای (بخصوص در نواحی شمال کشور) گرفته است و زحمتکاران بی سرپناه بدنبال بیش از ۱۰ ماه وعده وعید "هیئت حاکمه" خود کوشش نوینی را برای مصاداره خانه های خالی سرما به داران بزرگ و متحرکین آغاز کرده اند، تا در این فصل سرما و فشرده ای زمستان جایی برای سکونت نداشته باشند.

از طرف دیگر در روزهای اخیر هیئت حاکمه با صدور تهدید نامه ای چاپ خانه های راکه نشریات انقلابی و "توقیف" شده را چاپ میکنند به مجازات تهدید کرده است.

حمله اغریزه ساختمان کارنندان وابسته به جنبش ملی مجاهدین از طرف با سداران نیز نشانه ای از چشم غرّه های اخیر ارتجاع به نیروهای مترقی است.

..... بنا بر این وبا توجه به چنین سیاستهای قبل از همه، وظیفه نیروهای آگاه خلق چه در کردستان و چه در نواحی دیگر است که بدون ذره ای توهم نسبت به رژیم کتونی بی شاز پیش بر هشاری خود در مقابل ارتجاع حاکم بیفزایند.

بقیه از صفحه ۵ حرفهای ... اینست که متحدان با افشا دسیمه های کار فرما اورا مجبور سازیم تا مزد واقعی ما را که مجموعه همه اینهاست و حداقل زندگی یک کارگر را هم بوزن ما بین میکنند برادرت نما بد.

**همه قراردادهای اسارت آورا امیربالیستی باید لغو گردد!**



سکینه، صغی اما مرفه و در آنجا با دکه سبزی  
سبزی مذاکره نمیکند. شما ندگان قبلا  
سربه کمسنه صغی اما مرفه کرده بودند،  
با وجود نول همکاری و رسیدگی، عملا برای  
آنها ایامی نگرفته بود!

فردا وقتی کارگران برای شروع محدود  
کارخانه را می رود. با درهای بسته  
روبرویی شوند. کارفرما کارخانه را برای  
مدتی با معلوم مغفیل اعلام کرده بود! کارگران  
روحه خود را حفظ کرده و مصمم می گردیدند  
برای رسیدن به خواسته های آنها. همچنان یکبار  
مبارزه کنند. آنها چون نللا ارفتن به وزارت  
کار مسجدهای نگرفتند، مصمم می گردیدند  
یکبار دیگر کمسنه صغی اما مرفه را بکنند  
اگر کارگران در مراجعه، فلیمان سکینه اما م  
همسجدهای نگرفتند، ولی حورا مسجدها  
بودند که این کمسنه سران کار انجام دهد!  
رست و آمدهای کارگران سکینه اما م، وزارت  
مشایع و مساجد... بجای رسیدن آنگاه  
که در همه جا با مسجدها دیدگریستند و  
همسگی خود موبل شدند.

کس بخار دست ما چرا حق انکت ما  
با وجودیکه با اعدا از ارکارخانه محا -  
نظت میگردند کارگران مصمم گرفتند از افعال  
کرده و در آن بدخص نسیمند. از اسرو چند  
سیرا کارگران حوا زن و مرد را در سوار  
کارخانه حل آن می رود. با اعدا از آن سه  
محصودن آنها شروع بدشک هوانی میکنند،  
در همان حال جدیدا کارگران مرد را برده های  
کارخانه را رسد و ضمن درگیری با اعدا  
در کارخانه را می کسانند... به اس سربس کار  
کران همگی وارد کارخانه شده و با دیدگری در  
سالی غذا حوری اجتماع می کنند.  
بها م و دلاوری، کارگران، خصوص کار -

کران زن در هنگام ورود به کارخانه نجس -  
انگیز بود. وقتی که تراننداری هوانی با سد  
اران تعدادی از کارگران را برسانده بود  
جدشیرن کارگر که جا در آن را بست سرسان  
کرده رده بودند. سنا پیش بقعه بهیبت میردند  
که: "تیرسد! مرک یکبار، شون هم یکبار،  
هر طور رنده ما با سدرویم تو." روحه کارگران  
بس! رو روده کارخانه عالی بود. بس! مستقر  
شدن در کارخانه چون فرارند کارگران نسا  
رسدن به خواسته های آنها در کارخانه متحصن  
شوند، چندین کارگر، آنتین هایشان را سالا  
رده و برای تهیه، غذا به شیزخانه، کارخانه رفتند!  
هیج قدرتی، جز قدرت همسگی و تشکل  
کارگران نمی تواند طبقه، سرما به دارا از پای  
در آورد!

● **گرمانشاه** و حخت نماینده سوزواری  
زتشکل کارگران

بهاگام باز بدیمس فروز رسد. از  
بالاترگاه گرمانشاه، نمایندگان کارگران  
بیمای با هزار سختی با وی ملاقات کردند و  
خواستهای خود را مانند اخرج بیمانکاران و  
استند، م کارگران بیمانی، جلوگیری از اخرج

بدون دلیل کارگران، حق استفاده از بیمه  
درمانی و... مطرح کردند. جناب وزیر در جواب  
مکتوب: "از خواسته های شما معلوم است که  
دارای سازماندهی هستید... من فعلا نمیتوانم  
برای شما کاری انجام دهم." کارگران عملا در -  
با فتنه که نه تنها معین فرسایا بر مسئولان زمان  
شاه خاشن تفاونی ندارد، بلکه حتی دزمواردی  
از آنها هم برنده تر رفتار میکنند. آنها اگر چه  
نیتوانستند از این طریق بخواسته های برحقشان  
برسند، اما از لایحی حرفهای معین فرسایا تا حدی  
دریافتند که سرما به دارو عوا ملقا از سازمان -  
دهی و تشکل " کارگران چه وحشی دارند!

● **تهران** اخراج کارگران مبارز

احمد سالم مدیر عامل صدکا رگر کارخانه  
با فکار در نیمه اول آذرماه، با همدستی علی -  
محمد عرب، با اصطلاح نماینده کارگران در مجلس  
خبرگان و با بهره گیری از نا آگاهی بعضی از  
کارگران دوست از کارگران مبارز را با سهای  
رحیم و عادل که برای گرفتن حقوق با پمال شده  
شان و نیز افشای توطئه ها و دزدیهای مدیر عامل  
در میان کارگران تلاش میگردند اخرج کرده است  
اس مدیر استصافی سازمان صنایع و گسترش از  
هیج فرصتی برای دزدی دسترنج کارگران چه  
برای خود، و چه برای همیا انکها پیش مظا بقعه  
نمیکند. مثلا استفاده از موقعیتش با چه ها  
را با قیمت ارزان به برادرش عباس سالم، با  
اسم مستعار مهدی معظم میفروشد. با اینکه به  
با وانکهای کارخانه که با همت کارگران اخرج  
شده اند همچنان حقوق میپردازد. اگر چه بعضی  
از کارگران برای بازگشت به کار این دو کارگر  
دست با عصاب بردند؛ اما اعتماد آنها بعلت  
نداشتن رهبری صحیح که بتوانند بموقع تا کنک  
های مناسب انتخاب کنند، متخرجه شکست گردید!

★★★  
بر اساس خبری موق، در بعضی از کارخان  
دها، فداشان اسلام دست به تشکیل شبکه های  
رزومینی زده اند. بعضی از این شبکه ها مسلح  
هم هستند و هدف آنها از این اقدام، با اصطلاح  
مسارزه با دشمنان اسلام، و در درجه اول مبارزه  
با کمونسستهاست که بقول خودشان دارند همه  
جا نفوذ می کنند.

● **اصفهان** تخص کارگران شرکت  
(پلی اکریل)

حدود یکسال است که "شرکت آمریکا شیلی  
اکریل" تعطیل شده و کارگران آن بیکار شده اند  
دولت، صدکا رگری ما هاست که با وعده و وعید  
آنها را سر میدواند و در چند مورد با فریب و سربس  
تخص و اجتماع آنها را برانگنده است.

کارگران مذکور از روز شنبه ۵۸/۹/۱۹ با  
آگاهی نسبت به اخطای توخالی مسئولین  
مصم ترا قبل مجددا در استان، ای متحصن شده  
و مهمترین خواستشان بازگشت به کار است.

★★★

از سوم آذرماه حدود ۳۰۰ نفر از کارگران

"فرهنگ و هنر" بخاطر عدم پرداخت ما به التفاوت  
اما نه حقوقهای اسال در استاننداری اصفهان  
متحصن شدند. یکبار چگی و همسنگی آنها پس  
از ده روز دولت صدکا رگری را مجبور به تسلیم  
ساخت و روز شنبه ۱۳ آذرماه با موفقیت تخصن  
آنها با بیان پذیرفت.

● **شمال** اعتماد کارگران ایران کنت

کارگران کارخانه ایران کنت که دارای  
سابقه مبارزاتی درخشان علیه سرما به داران  
ورژیم مزدور شاه هستند، از روز شنبه ۱۳  
آذرماه با خواسته های سربس آنها رخوری و طرح  
طبقه بندی مشاغل دست به اعتماد زده اند. این  
کارگران به لحاظ داشتن تجربه و سابقه  
مبارزاتی فریب توطئه های کارفرما را نخورده  
و همچنان مصممانه بر خواسته های خود با فشاری  
میکنند.

● **شهریار** وضعیت کارگران  
ما کاررونی سازی انجم آباد

کارگران کارخانه ما کاررونی سازی واقع  
در انجم آباد شهریار با ۱۲ ساعت کار در روز ( ۶  
صبح تا ۶ بعد از ظهر) روزی ۲۰ تومان حقوق می  
گیرند و این درحالیست که طبق قانون کار دولت  
جمهوری اسلامی حداقل حقوق کارگران در کار -  
خانه ها ۵۶۷ ریال است و در زمان رژیم مزدور  
شاه حداقل حقوق در مراحل آخر به ۳۰۰ ریال  
در روز رسیده بود. کارگران این کارخانه با ۱۲  
ساعت کار در روز از فقره بیمه سبزی نصیب اند!

**دو سند از یک توطئه!**

**"سود ویژه باید قطع شود!"**

در شماره ۲۲ پیکار ۱۲ آذرماه مجلسی در  
افشای سیاست صدکا رگری رژیم آوردم و گفتیم،  
" اخیرا هیئت حاکمه و "وزارت کار" در  
صد توطئه جدیدی هستند تا با زهم بیشتر از سوز  
تا چیز کارگران را بکشد و بیشتر تر جیب سرما به -  
داران را از الوفت بر بکنند. اخیرا نمایندگان  
وزارت کار در چند کارخانه مطرح کرده اند که  
"چون سود ویژه برای فریب کارگران بوده و  
ظا غوثی است و از آنجا که ما مزدکاران را زیاد  
کرده ایم دیگر احتیاجی به سود ویژه نیست و  
نسا بدپرداخت شود!!"

ما در آن مقاله جنبه های مختلف این توطئه  
را (تا آنجا که میسر بود) بحث کردیم در این شماره  
دوستند که آن توطئه را بوضوح نشان میدهد چاب  
میکنیم. یک سند با معنی آقای با زرگان است  
اما شخص دیگری که با معنیش خوانده نشود و بنظر  
میرسد معان و ابوابش در نظر میدهد که بهتر است  
"لغو سهم کردن کارگران در منافع" کارخان  
نه ها (با سود ویژه) را به بعنوان یک لایحه  
قانونی بلکه بعنوان تسمه برقانون سابق  
بیا ورنده با اصطلاح لحن ملامتتری داشته باشد و  
و "اثر تبلیغی بد" نداشته باشد! واقعا حرف  
درستی است که گفته اند لاشن خاشف، یعنی  
بقیه در صفحه ۱۷

**کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند**





## گزارشی از بلوچستان (۱)

موضوعیت سیاسی و گروهی  
سیاسی منطقه بلوچستان

این مقاله قسمتی از گزارشی است که توسط عده‌ای از رفقای هوادار ما زمان در محفل نه‌پندیده است: ما علیرغم سواقتی که در شیوه تحلیل نوشته‌هاست، از آنجا شیکه در مجموع این مقاله در ارائه موضوعیت سیاسی محل واقعاتی نیروهای مرتجع و ضدانقلابی دارای جنبه‌های مثبت است اقدام بدرد آن می‌نمائیم.

الف - جنبه آزادیبخش بلوچستان: توسط عده‌ای از عناصر متکون بلوچستان این (خواسین) و ما معرفی خوانین بلوچستان با کسان و به کمک دولت عراق در بغداد تشکیل گردید. این جریان را دولت عراق در سال ۵۲ در رابطه با تعدادی که با دولت ایران داشتند در جهت منافع خلق بلوچ بلکه به نام به‌بازاری درست خود و برای مطامع خود علم نمود و حتی در راه دیو عراق بر ما می‌نماید به زبان بلوچی گذاشت. خوانین جمع شده در این جبهه با مسافرت به امارات توانستند عده‌ای از زحمکنان بلوچ را که برای امرار معاش و کار به امارات آمده بودند فریب دهند و آنها را با خود همراه نمایند و با عادی شدن روابط ایران و عراق بسیاری از این خودفروختگان به با واک بیوسند و در جهت اهداف با واک و بر علیه خلق بلوچ خدمت می‌کردند و حتی همان زحمکنان را نیز بدست رژیم سپردند. جالب توجه است که هر وقت خوانین می‌خواستند از دولت پولی بگیرند یک نفر را به جنبه آزادیبخش بلوچستان (۱) می‌فرستادند و از طرف دیگر با دولت مذاکره می‌نمودند که یک نفر از جنبه خود را تسلیم میکنند و دولت هم برای او حق و مستمری معین می‌نمود.

ب - حزب اتحاد المسلمین: در رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی غالب "مولوی‌ها" (۱۱) مستقیم و یا غیر مستقیم در خدمت با واک قرار داشتند. در جریان مبارزه زات توده‌ای که در سرنا سرایران بوقوع پیوست (۵۷ - ۵۶) بدلیل فرم غالب مذهبی مبارزات و تضاد مذهبی مولویها و همچنین دستورهای مستقیم با واک، مولویهای مرتجع با کمک روشنفکران خود فروخته دست به مبارزه

(۱) - کارگزاران مذهب در میان اقوام بلوچ "مولوی" نامیده میشوند مانند "خوند" در مذهب شیعه.

علیه‌رشد این جریانهای سیاسی در میان خلق بلوچ زدند. آنان با تبلیغ کمونیست بودن خمینی! و تبلیغات با واک در مورد افغانستان مردم را از شرکت در مبارزات فدرزیم‌میترا - نندند. شکل این افراد در این زمینه باعث شد که زمینه ایجاد یک حزب در دوران نخست‌وزیری شریف‌ما می‌ریخته شود هیئت موسس این حزب را که "اتحاد المسلمین" خوانده شده فرا دکا ملا سرسپرده و رستاخیزی و ساواکی تشکیل میدادند. غلامرضا طاهری مسئول آموزش رستاخیزانستان، غلامرفای حسین بر - رئیس رستاخیزانستان، تعدادی از سرسپردگان رژیم قدیم که از موسسین حزب بودند مولوی عبدالعزیز را سلطت نفوذ مذهبی اش بعنوان رهبر حزب انتخاب کردند. این حزب که از بدو پیدایش خویش محل تجمع روشنفکران خود فروخته، خوانین وابسته و مولویهای مرتجع بود از طریق نفوذ مذهبی مولوی‌ها در غالب شهرهای بلوچستان موفق شدند عده‌ای را بدنبال خود بکشانند. پس از قیام بهمن ماه و استقرار جمهوری اسلامی در ایران "حزب اتحاد المسلمین" با حفظ اپو - زیمون بسیار وضعیتی که نتیجه تضاد مذهبی سردمداران آن با سردمداران تهران بود در خدمت دولت قرار گرفت. مولوی عبدالعزیز توانست در کمیته زاهدان نفوذ کرده در منطقه وجهه سیاسی پیدا نماید. "حزب اتحاد المسلمین" بدلیل ترکیب طبقاتی خود بصورت کامل وظیفه جلوگیری از رشد نیروهای مترقی، تبلیغاتی شدید بر علیه آنان، جلوگیری از مبارزات خلق بلوچ و ساکت نگا داشتن آنان از طریق تبلیغات را به عهده گرفت و از این نظر نیز تبلیغات رژیم حاکم بفتح مولوی عبدالعزیز قرار گرفت. اما خلق بلوچ بجز در مواقعی که از آنان با انکار به‌روشنای مذهبی و ضعف آگاهی سواستفاده میشود نسبت به این حزب نظر خوشی ندارند زیرا که رفتار آنها را پیش و پس از قیام با یکدیگر مقایسه میکنند و بدلیل روابط عشیره‌ای غالب سردمداران آنها را به خوبی می‌شناسند. سردمداران و طرفداران این حزب را در شرایط قطعی خانها، مولویهای مرتجع، کدخداها، تاجران، تعدادی از کسبه کارمندان محافظه کار مرتجع، روشنفکران خودفروخته و قاچاقچیان منطقه تشکیل میدادند که در این میان قاچاقچیان نیروی عمده حزب را تشکیل می‌دهند.

از فعالتهای این حزب آزاد کردن خدا - دادخان ریگی، جلوگیری از دستگیری نقی خان ریگی و امان‌الله یاران، تبلیغ نظریات

مفتی زاده، خاموش کردن شورتوده‌های محروم خلق بلوچ، شرکت در فرآیند جمهوری اسلامی (تسلیم کارت سبزا سلامی و کارت قرمز کمونو - نیستی)، شرکت در انتخابات مجلس خبرگان (با تبلیغ پیروزی شیعیان بر سنی‌ها در صورت تحریم انتخابات) و واسطه‌گری قاچاقچیان در رابطه با موران دولتی بوده است. مولوی عبدالعزیز نماینده مجلس خبرگان است و ظاهراً خود را از تصویب ماده ۱۱ ناراضی نشان میدهد. این حزب میتواند فشاری از مردم را بسنج کند و با توجه به تضاد روشنی مذهبی و انحصار طلبی قدرت حاکم و کارگزاران آن است که حتی به این حزب مطیع هم کم‌روشان می‌دهد میتوانند روحیه آپوزیسیون از خود نشان دهد.

ج - جنبه عدالت خواه: شخصی بنام عبدالواحد (محمد) آریان که پیش از این سابقه همکاری با ساواک داشته است (برخی از اقا - مات او در گذشته عبارتند از: معرفی یکی از اعضای مبارز جنبه آزادیبخش مردم بلوچستان بنام عبدالصمد میری، کار در هتل جلب سیاحان برای شناسایی افراد دیمبارز، سرپرستی کانتینسین شرکت پودر شنبان مسئول سد سازی پیشین برای شناسایی افراد دیمبارز و خواباندن اعتصاب کارگران شرکت مربوطه و...) او بمنظور مقابله با سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان در نوروز ۵۸ جنبه عدالت خواه را بنیان گزار کرد. وی که هدف خود را حمایت از خمینی، جمهوری اسلامی و مبارزه با کمونیسم در منطقه معرفی میکرد توانست با استفاده از امکانات دولتی و بعضی مولویهای مرتجع، بین بعضی عناصر روشنفکر و دانش آموزان شهرهای ایران شهر و جاه بهیروزه‌ها را برای خود طرفدارانی کسب کند اما پس از نزدیک به سه ماه فعالیت به حزب اتحاد المسلمین پیوست و تبلیغات خود را در این حزب متمرکز کرد.

د - حزب جمهوری اسلامی و کمیته‌های امام، جبهه ساز زندگی، سپاه پاسداران و داد - ستانی انقلاب از جمله رگانه‌های هستند که بعنوان ابزار هیئت‌ها که در منطقه فعالیت دارند.

ه - سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان: این جریان از عده‌ای از جوانان منطقه بعد از قیام ۲۲ بهمن، با فعالیت‌های دموکراتیک بوجود آمده مدتی کوتاه توانست افشاکری - هائی در مورد خوانین و مرتجعین مذهبی بنما بدولی با بیورش ضد انقلابی هیئت حاکمه و محدود شدن امکانات علنی کار در چارنگالانی گردید. عناصری از این جریان هم‌اکنون تحت نام سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان بنظر می‌رسد بنا کنه گذاشتن عده‌ای و درس‌گیری و تجربه‌اندوزی از اشتباهات قبلی تشکیل منطقی تردیگری راهی ریزی میکنند.

و: خانه بلوچ، دانشجویان پیشگام، مسلمانان مجاهدان دانشجویان مبارز نیز جزو نیروهای مترقی منطقه هستند که عمدتاً در شهر زاهدان فعالیت دارند.

بقیه در صفحه ۸

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

# جنبش دهقانی



علیه این ارباب با غاصب و زورگوشروع میشود که با شمارهای انقلابی خود لیزه براندام اینس جنانیکارمی اندازند. با اطلاع از تورش مردم ارباب ده را ترک میکنند و به اراک می آسند و دست وپاشی میکنند تا بلکه بتوانند قیام ا هالی را بخوابانند و صف متحد مردم را که خا رچشم و شده است بهم بزنند. از این جهت به پاسگاه ژاندار- مری آزا د شهر رفته و با همدستی عزت اسطهی که مشا و روجیره خوا رهزیرزادانی بود و با زدوبند کردن با رئیس پاسگاه آنجا که عراقی نام دارد درصدم برمی آید که این حرکت را تخطئه و منکوب کند. در طی این مدت ا هالی نیز با گرد هم آشی در مسجد و شور و مشورت با یکدیگر در صدم برمی - آید که شورای ده را تشکیل داده و مبارزه خود را با برنا مه و حساب شده و بدورا زهرگونه هرج و مرج به پیش برند ( چون مزه تلخ شکست را ا هالی در سال ۴۱ بعطت عدم برنا مه ریزی و هرج و مرج چشیده بودند ) .

پس از تشکیل شورای دهقانی بتا ریسخ ۷/۲۸ / (دوروز بعد از آغاز حرکت) که اینشتیبا نی کامل ا هالی بر خورد راست روز دوشنبه ۵۸/۷/۳۰ از طرف شورای منتخب ا هالی تعطیل عمومی اعلام میشود و ا هالی این برنام ه و پیشنها دا نظلابی را با جان و دل پذیرا میشوند و در این روز با راهبیمانی و نظا هرات و با حمل پلاکاردها ئی که روی آن نوشته شده - بسود "زمین های غصب شده توسط ا هالی تصرف نند" ، درصوف فشرده و منظم و با انضاط بسوی زمین - های غصب شده خود حرکت میکنند. از آنجائی که سلیمان غا رتگر با پاسگاه زدوبند کرده بود در همین بین سروکله دوتا ژاندارم با پاسگاه جا دوسیان که در ۴ کیلومتری ده قرار رده پیدا میشود و آنها با موج عظیم جمعیت روبرو شده و درحالی که جمعیت با شعار " اتحاد ، اتحاد ، سلاح محکم ماست " ، " تفرقه ، تفرقه ببقع دشمن ماست " حرکت میکنند آنها نیز همرا جمعیت می - افتند. در این روز پلاکاردها بر سر تما زمینهای غصب شده ا هالی نصب میشود و برای آنها نگهبان می گمارند و با تصمیمات قبلی شورا هرب تعدادی از ا هالی بطور نوبتی برای نگهبانی از اموال عمومی و جلوگیری از احتمال قطع اشجار انتخاب میشوند. پس از راهبیمانی و تصرف زمینها ا هالی به شخم زدن و کشت زمینهای پس گرفته شده خود مشغول میشوند. به پیشنها دارباب پاسگاه جا دوسیان چندتن از اعضای شورا را باز داشت کرده و به اراک می فرستد. ولی پیش از مدتها ز روستا ثیان فردای آتروز (سه شنبه) برای آزادی نما بندگان خود به اراک می - آیند و جلودادستانی انقلاب اسلامی جمع می - شوند تا اینک ساعت ۲ بعدا زظهر نما بندگان نشان آزاد می شوند .

ا هالی ده همراه نما بندگان خود به ده برمی گردند و در ده با استقبال پرشورا هالی روبرومی شوند و با شعار " ملت پیروز است " ، سلیمان نا بودا ست" بطرف ده حرکت میکنند. در ساعت ۲۲ هما تروز ۴ پاسدار از طرف پاسگاه بقبه در صفحه ۱۸

طوفان انقلاب تودهای ایران هر چند با اختلافات زمانی شخصی از فراز شهرها و از میان زحمتکشان شهری بسوی صحراها و جلگه های چپاول شد ما ایران دیرتربال گستراند ، ولی به حکم قوانین عینی و مادی مبارزه طبقاتی ، رنجبران دهات رابه عرصه مبارزه کشاند . روستائیان ایران هر چند دیرتروولی با عزمی راسخ و رباروحی متهورانه پای در میدان مبارزه طبقاتی نهادند و در این عرصه کارزارید نبال رهبری واقعی خود یعنی طلا بیدار پیگیر انقلاب می گردند تا بتوانند با تکیه داس خود بر چکش استوار طبقه کارگر ایران ، رزم محکم و متحد خود را بر خصم به پیش رانند . و این طبقه کارگراست که در این عرصه مبارزه پرجم طبقاتی خود را د وجود حزب خود برافراشته خواهد ساخت تا این متحد بین طبیعی خود را بر گرد این پرجم آورده و برقراری سوسیالیسم را نوید دهد .

ما در اینجا گزارشی یکی از نقاط حاد مبارزه طبقاتی جاری روستائی را که در ده مست پایین ( سفلی ) از دهات اطراف شهر اراک جریان داشته می آوری تا بتواند گوشه ای از مبارزه انقلابی را نشان دهد .

## گزارشی از مبارزات روستائیان "مست" (از دهات اطراف اراک) بر علیه سلیمان خان خانلوکی مالک ده

- روستائیان مبارزه مست : "آب زمین مال ماست!"
- اعضای شورای ده چون در عمل دید نمود که از "دادستان انقلاب" و "دفتر امام" نباید هیچ انتظار طرفداری از زحمتکشان را داشت ، شورابه نیروی قدرت خود ا هالی متوسل شدند و قاطعانه تصمیم میگرفت که توسط ا هالی هرچه زود تر بوجهها را بچینند .
- روستائیان مبارز با همان قاطعیت خود که مبارزه شان را با بنجارساند نمودند زمینها را تصاحب کرد و به هیاهوی و مشارکت همه بگر تمام زمینهای سلیمان خان را برای کشت آماده کرد و بعد برای سال دیگر کشت میکنند و تمام این کار بصورت اشتراکی و بدو ن کشیدن خط و مرزری انجام می پذیرد .

است . از کارهای رذیلهانه دیگر این جانشی اختلاف انداختن و ایجاد تفرقه در بین روستا - ثیان بود که با راهب زده خوردنجا مید . و در این ماجرا ها نیز روستا ثیان چندین کشته داده اند. همانطور که در بالا اشاره شده این فئودال وابسته با روشهای تهدید آمیز و زور - گوئی و اعمال قدرت و ایجاد درعب و وحشت در بین روستا ثیان تنها بیش از ۱۵ هکتار از بهترین و مرغوب ترین زمینهای این روستا رابه تصرف خود در آورده بود . این جانی در جنبش توده ای ایران نیز جماق بدستان و مزدوران خود را بسیج کرده و با راه برای سرکوبی انقلابیون اراک و سنجان اراک حمله و یورش برد . از اقدامات کثیف دیگر این مزدور جمع کسردن شنا سنامه های روستا ثیان در مواقع انتخابات فرمایشی نا ه نبود با مزدور همدستش رای داده تا بعد به ترتیب و اندبه اعتبار همدستانش در ارگانهای دولتی روستا ثیان را بیشتر استعما ر کرده و تحت فئا ر قرار دهد .

شروع اولین حرکت توده ای دهقانی در تاریخ ۵۸/۷/۲۶ اولین حرکت و راهبیمانی و نظا هرات زحمتکشان روستا ثی

سیمانی از وضعیت جغرافیائی مست سفلی ( پاشین ) ده مست پاشین در حدود ۵۵ کیلومتری اراک واقع است . این ده در حدود ۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد .

سلیمان خان خانلوکی کیست ؟ سلیمان خان خانلوکی مالک ۱۴ پارچه آبادی در منطقه شهر " بوده که اکنون نیز در دو روستای هم جوار مست سفلی بنا مهای قلعه عباس آباد و طور گبریش از ۲۰۰ هکتار زمین را در تصرف دارد . از طرف دیگر در زمان شاه خاشن ریاست حزب رستا خیز را که یکی از ارگانهای فد مردمی بود بعهده داشت . از کارهای ساده و پیش پا افتاده این جنایتکار در گذشته شکنجه و قتل و کشتار روستا ثیان بود که بوسیله ایا دی وی انجام میگرفت و روستائیان هیچوقت شکنجه های این جنایتکار را که بصورت به بند و تخته کشیدن و خلاق زدن بوده از یاد نمی برند و هنوز خا طره روستا ثیان مبارزی که گنا هان فقط ایستادگی در مقابل زورگوشها و گردن کلفتیهای این فئودال بود در نتیجه بوسیله ایا دیش بقتل رسیده اند ، از ایا دروستا ثیان "مست" تفرقه

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

# جنبش دانش آموزی



## ● مسجد سلیمان - تظاهرات دانش آموزان در مسجد سلیمان

روزشبه ۱۵ آذرماه بمنظور محکوم ساختن وطنه ها و تحریرکات امیرالایم آمریکا و هم - جنس اعتراضیه قانون اساسی و رفتاراسد - نما هراتی توسط دانش آموزان مبارزودانش - آموزان هودا راسازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگربرگزارند، درست قبل از انجام این راهبیمانی چندش از دانش آموزان مبارز مسجد سلیمان توسط ماموران مسلح دستگیرو خانه - هایشان موردتفتیش قرارگرفت. پاسداران، درازرفشارمردمان چارشدندش هنگام دانش - آموزان بازداشتی را آزاد کنند.

در این تظاهرات پلاکاردهائی توسط دانش آموزان حمل میشدکه برخی از شعارهای آن چنین بودند:

- در رفتارند قانون اساسی، نه مشیت، نه منفی تحریم انقلابی.
- مرگ برای امیرالایم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران.
- نظاره کنندگان در شعارهای خود از تفتیگران جنوب و همچنین حقوق عادلانه خلقهای ایران پشتیبانی میکنند.

## ● بندر عباس

تفتیش عقاید در مدارس بندرعباس

داره آموزش و پرورش بندرعباس، در آغاز سال تحصیلی ارتدیس ۳۸ تن از معلمین فارغ التحصیل دانشرای راهمبایی جلوگیری نموده ۱۳۰ تن از دانشجویان سال دوم دانشرا زاسراز تحصیل محروم میسازند. انسان همگی بحرم عقایدشان چنین سرنوشتی دچار شده اند. مدیرکل وسایون آموزش و پرورش بندرعباس که هردو امرندحمس بنام میسازند، ۱۱ نفر از معلمین مبارزانرا براساس دلیل عقایدی که داستاند، اخراج نموده اند.

## ● ساوجبلاغ

بدستال صدور حکم انتقال یکی از آموزگا - ران مبارز دبیرستان دخترانه شریعی در نظر - آباد ساوجبلاغ، روز ۵۸/۹/۱۷ گروهی از دانش آموزان از رفتن به کلاسها خودداری میکنند. درهمین رابطه شش نفر از معلمین دبیرستان نیز استعفا میدهند.

## ● شعر يك دانش آموز

شعرزیربرایک دانش آموز که همراه با درس کار هم میکند برای پیکار فرستاده است.

تقدیم به آذرخش و سیف الله و دیگر غنچه های سرخی که در هجوم رنج به کردستان پوریرشدند.

### من می شناسم

من دستان بینه بسته رامی شناسم  
چونکه دستهای خودم بینه دارد  
من انسانهای گرسنه رامی شناسم  
چونکه خودم گرسنگی کشیده ام  
من چهره زشت و ترسبار فقر رامی شناسم  
چونکه خودم چهره اش را دیده ام  
من حسگی کارگر رامی شناسم  
چونکه خودم کارگر هستم  
من سوزش شکنجه رامی شناسم

این اعمال غیرانسانی خشم و نفرت مردم و بویژه دانش آموزان را برانگیخته است. هم اکنون مدیرکل و معاونش در مساجد با دروغ - پردازی های خود میخواهند مردم را بر علیه معلمین آگاه و دانش آموزان مبارز شهرسیج کنند، لکن از طرف دیگر دانش آموزان نیز با راهبیمانی ها و افشاگریهای خود پرده از چهره کریه این دونفر برداشته اند تا جایکه دورنمیت که این دونفر نتوانند خشم خلق فراری شوند.

### اعتراض به تصفیه معلمان آگاه

تصفیه و یا تبعید معلمان آگاه و مبارزان از طرف مقامات آموزش و پرورش اینک به یک امرعادی تبدیل شده است. بهمین دلیل هم هست که دانش - آموزان مدارس هرجا که با چنین اعمال انسانی وقرون و سلابی روبرو میشوند دست از مخالفت و اعتراض برنداشته و خواهان ابقای معلمان آگاه و مبارزان در مدارس خود میباشند.

چونکه کاری که میکنم خود شکنجه است  
من از سرما به دار کینه دارم  
چونکه تمام بدبختیهای ما از اوست  
من فریادرنجبران رامی شناسم  
چون خودم فریادمی زدم  
من به بیروزی خلقم ایمان دارم  
بهمین خاطر برای این بیروزی سلاش می کنم.

دانش آموز سال اول هنرستان - "تادر"



بقیه از صفحه ۶  
جنبش ملی

# نبرد بلوچ

"نبرد بلوچ" خبرنامه بلوچستان که شماره چهارم آن بدست ما رسیده است، در صفحه اول خود مقاله کوتاهی دارد که در آن توطئه های خوانین محلی را در منطقه که از یک طرف مورد توجه امپریالیستها و از طرف دیگر مورد حمایت بدربخ هیئت حاکمه اند، افشا نموده و نشان داده است چگونه توده نا آگاه بلوچ که بسا لطیف الحیل توسط این خوانین مرتجع به خبا با آنها کشیده میشوند، بدون اینکه خود بداند توده مقاد پلید این ضد انقلابیون خدمت میکنند

با آرزوی موفقیت برای رفقای "نبرد بلوچ" که وظیفه خطیری در آگاه ساختن توده ها و افشا و طرد خوانین مرتجع در منطقه، بدوش میکنند مقاله یاد شده را عیناً نقل میکنیم:

## چابهار (حدود دو هفته پیش)

در چابهار تظاهراتی انجام میگردد که بیشتر شرکت کنندگان آن از رؤسای اطراف چابهار بویژه منطقه دشتیاری بوده اند، این عده بسیار نا اینکه "موادغذائی و خواروبار" بین آنان تقسیم میکنند به این راهبیمانی کشیده میشوند. این تظاهرات که حداکثر از ۲۰۰۰ نفر بیشتر نبوده در پشت پرده رهبری کاملادر دست خوانین بوده است، از آنجمله "میرمولا داد - سردار زهی که هم اکنون از طرف "هیئت حاکمه" گرداننده انتظامات منطقه چابهار است و همسه دلوارها نیروهای انتظامی شهربانی و ژاندارمری زیر نظر او انجام وظیفه مینمایند!! و همچنین خان زهی ها که با "حاج کریم بخش سعیدی" و "میر - مولاداد" که تقریباً نزدیکی فامیلی دارند بقایای جبهه آزادبیش بلوچستان که در منطقه پراکنده اند و از نظر نظامی نیز قبلاً آموزشهای دیده اند با اتکا نزدیک به خوانین نیز شعارها - شی برود دیوارمینویسند و تا حدودی با این - پوش تظاهرات را میگردانند.

جوانان آگاه و انقلابی چابهار که هدفهای ننگین خوانین را بخوبی تشخیص میدهند، در این روزنیز دست با فشاگریهای میزنند و این نوع حرکتها را فقط بنفع خوانین میدانند، اما با وجود فعالیت چشمگیر جوانان انقلابی این تظاهرات تا دامه میسازد و در پایان قطعنامه ای نیز صادر میشود که نشان دهنده خواستهای بقایات ارتجاعی و ضد مردمی این خوانین میباشد. از خواستهای این خوانین یکی، محکوم کردن گروگانگیری آمریکا شپها در سفارتخانه آمریکا (در تهران) بوده است که آنرا زرافوق العاده زیادنیروهای انقلابی را بوجود آورد، و دیگری آزادی چابهار بصورت یک بندر آزاد بوده است، چون قاچاقچیان وابسته به خوانین در این راه - بیمانی نقش مهمی داشته اند!! و با خواست دیگر آنان اخراج پاسداران و تقویت نیروهای

بقیه در صفحه ۱۱



### "کاپیتولاسیون" روحانیت!!

#### آیا روحانیون مصونیت قانونی دارند؟!

در زمان رژیم مزدور شاه، "توانین" ارتجاعی تنها در مورد زحمتکاران جامعه و افراد بدون پول و پارتی به اجرا در نمی آمد. مثلا در حالی که خانواده سنگین پهلوی خود در قاچاقهای بزرگ دست داشتند، کم نبودند کسانی که از روی ناچاری دست به قاچاقهای جزئی میزدند و خوبه دارباز زندانهای طولانی مدت نصیبشان میشد. امروز هم در جمهوری اسلامی، روحانیون از جمله کسانی هستند که "قانون" در مورد آنها نقض می شود. دادگاه ویژه معصومین! در مورد بسیاری از روحانیون که سالها به شنا گوشتی شاه خاشن مشغول بودند و به تحقیق و فریب توده های می برداختند، تنها به خلع لباس آنها اکتفا می کرد. (مانند مهاجرانی و...) و اینک سوردی دیگر! روزنامه های بعد از قیام را کسه ورق بزنی، به نمونه های زیادی بر میخوری که افرادی را بجز عمل لواط اعدام کرده اند (برای مثال، با مادام ۵۸/۸/۸۵ (۲۴) اینکه به معلولها بچسبی و عا ملها را در نظر نگیری، اینکه پنهانها را بکشی ولی مراد برانخشانسی مسئله ای است که باید جای دیگری بسنه آن پرداخت، اما در اینجا بحث بر سر اینست که اگر در جمهوری اسلامی، کینفلواط اعدام است، پس چرا در مورد حجت الاسلام کاظم گلرو این کیفر اجرا نشد؟ قبل از بیان مورد ایشان ابتدا لازم است به گونه ای از گذشته سوابق او اشاره شود، تا عمق قضیه روشنتر گردد!

حجت الاسلام کاظم گلرو پس از سرخوردن از تحصیل در دبیرستان به حوزه علمیه قم می رود. در دوران تحصیل علوم دینی با راهب از او انحراف اخلاقی دیده میشود. او بعدها بعلمت بخش اعلامیه دستگیر و چند سال زندان محکوم گردید. گلرو در زندان در زندان علیه زندانیان سیاسی با پلیس همکاری میکند. وی حتی پس از آزادی از زندان همکاری را با ساوا ادامه می دهد. ( بطوریکه بعضی از اقوام او همین جهت با او قطع رابطه میکنند) کسانیکه سال ۵۴ در زندان شماره یک قصر

اسیر بودند بیا دمی آوردند که ایشان زیر پوشش تدریس نهج البلاغه قصد تجاوز به زندانسی نوجوانی را داشتند. گلرو که فردی شک پرست، شهوت ران و خوش گذران است در جریان قیام ما سندی بسیاری دیگر خود را "انقلابی" جا میزند و در مرحله خود (دروازه دولا ب) پیشناما زنده وعده های از جوانان را بدنیال خود میگذارد. ایشان پس از قیام مدتی رئیس کمیته منطقه دروازه دولا ب بوده و سپس بعنوان نماینده امام به مریموان اعزام میشود.



ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۲ / ۵۸/۸ یکی از همایگان حاجی گلرو، شاه دهه میگوید که دختری چادرشکی همراه حجت الاسلام گلرو از ماشین بنزحجت الاسلام پنهان شده شد و بخانه رفتند، از آنجا که وی در مورد حاجی گلرو حرفهای شنیده بود و دختر را همان کتون بنا حجت الاسلام ندیده بود شک کرده و از وی کنجکاوی به پشت بام میبرد و منزل او را زیر نظر می گیرد. پس از چند دقیقه نا با رانه متوجه میشود که حجت الاسلام دختر مدتمذکور سرگرم است، همایگان را خبر کرده و آنها را در جریان قرار می دهد. آنها دختر را هنگام از خانه حجت الاسلام دستگیر کرده و به کلانتری ۱۴ (میدان خراسان) می برند. دختر در کلانتری قرار می کند، و مردم خواستار دستگیری حجت الاسلام میشوند. با سادارانیکه برای دستگیری گلرو می روند، بی نتیجه برمی گردند، حجت الاسلام از خانه خارج شده بود. در با زگشت گلرو مردم او را به کلانتری می برند و خواستار مجازاتش می شوند، اما فردا صبح مثل هر روز دیگر حجت الاسلام گلرو در مرحله دیده میشود. بسیاری مردمی که در جریان اعمال تنگین او بودند، حضور دوبا راهش در محله، توهینتی بود بخون پاک شهیدان. بار دیگر "عدل" اسلامی، با یک تلفن "قانون" را در مورد او "اجرا" کرده بود. آری، امروز در حالیکه بلندگوهای ارتجاع بشیرمانه ترین آنها ما، راه نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها نسبت میدهند، موجوداتی نظیر گلرو، با آنهمه آلودگی، خود را "انقلابی" جا زده و در مواردی حتی در راه سازمانهای مهمل دولتی قرار گرفته اند!



تهران، اعضا و کادرهای سازمان را ملاحظه نموده و به آنها رهنمود میدهد، در حل مسائل شان باری کمک میکند و به آموزش سیاسی و نظامی همزمانش همت میگذارد. او با تحنل مشکلات و سختیها به دیدن قاچاقچی اسلحه و مهمات جنگی میرفت. و بدین ترتیب در سازمان دهمی و تجهیز مجدد سازمان و کمراست کردن تشکیلات درهم ریخته معاهدین نقش تعیین کننده ای باز کرد. رفیق در سال ۵۱ یکبار وقتیکه از جانب افراشتعقیب و مراقبت ساواک تعقیب میشود در محاصره آنان قرار داشت، با هشیاری تمام از ادا نشان گریخت. او با حفظ سمت رهبری تا سال ۵۵ در تمام عملیات مهم نظامی که بر علیه رژیم شاه مزدوروا میریالیستها صورت میگرفت نقشش فرمانده مشورتی داشت، عملیاتی نظیر اعدام زنیال آمریکایی پرایس، اعدام انقلابی

سرهنگ آمریکا شی ها و کینز، اعدام مستشار نظامی دیگرو اعدام سه مستشاران آمریکایی نیروی هوایی در تابستان ۵۵، اعدام مرتیب زندی پور (رئیس کمیته مشترک...) و انفجار شهرداری شمیران-نوه که خانه های زحمتکاران بر سرشان خراب میکرد و عمل نا موفق تشرور شعبان جعفری... که اینها همه حکایات از قابلیت سازماندهی رفیق دارد.

درست است که این رفقا در چهار رجب مشی چریکی عمل می کردند، مشی ای که او را نتورستی و غیر بیولتری بود. اما نفی مشی چریکی بهیچوجه به معنای نفی ملاحظیات و قدرت سازماندهی آیین رفقا نیست، ملاحظیات و توانی که می تواند (وا امروز شاهدش هستیم که توانست است) با طرد مشی غلط و انحرافی در خدمت مشی ویرانه، صحیح قرار گیرد. از آنجا که رفیق در جریان تنبیر و تحولات درونی سازمان معاهدین خلق در موضع رهبری نقش مهمی داشت، و سهمین لحاظ در تمام انتقادات اساسی که به این دوره از عملکرد های "بخش منشعب" وارد است، انتقادات و واردات به رفیق را نیز فرا موش نمیکنیم. انتقاداتی که با آنها در جاهای متعدد مرز بندی کرده ایم (۳) به آنها گونیم کشاندن تضادهای درون خلقی، غصب نام سازمان معاهدین پس از سال ۵۴، جدا ساختن پرولتاریا از بخش بزرگی از اقشار خرد بورژوازی، نحوه برخورد بر رفقای فدائی... همه و همه از جمله این نظرات و عملکردها است. ولی برای کسانی که ممکن است مسئه بزبان روشن نیابند و منظور جلوگیری از سوء استفاده های مفرضانه و فرصت طلبانه، لازم است توضیح دهیم که:

اشتهاها و عملکردهای انحرافی که یک سازمان و یا حزب انقلابی و رهبران آن مرتکب میگرددند تا آنجا که اس سازمان و حزب رهبر-ان آن در حقیقه انقلاب قرار دارند و سرعلیه دشمن خلق میزینند، اشتهاهایی است که در جنبه خلق بوقع پیوسته و نحوه برخورد با آن کاملاً آموزشی و انتقادی است نه فیزیکی خصمانه و نازمانی که یک عنصر خطا کار سازمانی حاضر است با صلاح خود بپردازد و علیرغم عملکردهای نادرستی که داشته در حقیقه انقلاب بماند و به خلق خدمت کند، و طیفه مانت که مانند یک رفیق به او در این پروسه اصلاح و انتقاد از خود کمک کنیم. بنا بر این برخورد ما به رفقای شهیدی نظیر بهرام آرام باستی از این دیدگاه باشد، نه از موضع خصمانه. و تا آخرین نفس بر علیه امیراللبیم ورژیم شاه مزدور جنگید و به شهادت رسید.

با این توضیح به برخی دیگر از رویداد های زندگی مبارزاتی وی اشاره میکنیم: رفیق، بهرام آرام یکبار دیگر در آبان سال ۵۴ در خیابان شیوا با مزدوران ساواک ملحقا-نه درگیر شد، ولی موفق شد از جنگ آنان فرار کند. در سال ۵۵ نیز رفیق در یک خانه تبعی (واقع در خیابان بوستان سعدی) به محاصره مزدوران کمیته در آمد ولی با موفق شد از جنگ آنان فرار کند. سرانجام در ۲۵ آبان ماه ۵۵ در خیابان شیوا طی یک درگیری ملحقا-نه شهادت رسید. یادش گرامی باد.

(۳) - رجوع کنید به اطلاعیه مهرماه و تحلیلی بر تنبیر و تحولات درونی سازمان معاهدین (فروردین ماه ۵۸)

بقیه از صفحه ۲۵  
گرامی باد ...

نجات بقایای سازمان از یورش پلیس و سازماندهی مجدد آن همت گماشت. پس از ضربهای دیگر که طی آن عده ای از رهبران سازمان معاهدین از جمله شهید رسول مشکین فام، اصغر بدیع زادگان، محمد حنیف-نژاد و مسئولین سازمان دستگیر شدند، سازمان عملیات و شدت درهم ریخته شده بود. اما رفیق شهید بهرام آرام در کنار معاهدین شهید احمد و رضا، توانستند با تلاش پیگیر و رهبری و هدایت کارها بر مسائل و بحران سازمان فائق آیند. در این میان بهرام بیش از هر کس دیگر با مسائل عملی و مشکلات روزمره دست و پنجه نرم میکرد. او هنگامیکه گشتیهای شهر-بانی و کمیته بدنیا ل شکار انقلابیون، بخصوص رهبران آنها میگشتند، در خیابانها و کوچه های

## رفراندوم قانون اساسی "خبرگان" -۳- و موضعگیری های نیروهای مختلف سیاسی درباره آن

بیشتر خود را نشان می‌دهد که قدری به عقب بر-  
گردیم و نگاهی به "مردم" بیاندازیم، آنوقت  
است که نمیتوانیم به پشتک و آرزوهای  
این آقایان "احسن" نگوئیم!

● درحالیکه تمام نیروهای راستین انقلاب اعم  
از چپ و غیرچپ میگویند این قانون اساسی  
"سرما به داری را برسمیت شناخته"، آزادی -  
های دموکراتیک را زیر پا گذاشته است و حقوق  
زحمتکشان را نفی کرده است و رویزونیستهای  
توده‌ای در هنگام رفراندوم بر عکس آن  
استدلال میکنند!

در آزمون "شوايط" ايجاب نمیکرد که  
رویزونیستها قانون اساسی "خبرگان" را  
مانند امروز (بطور عمده) تحسین کنند و از فواید  
آن حرف بزنند؛ لشکرکشی ارتجاع به گردستان  
و شکست مفتضحانه در آنجا، هجوم به مطبوعات و  
سازمانهای سیاسی و... و عدم پاسخگویی به  
مسائل توده‌ها، همه و همه باعث شده بود که  
توده‌ها بسرعت از نومنسیت به رژیم بیرون  
آیند. در یک کلام ارتجاع در شرایطی انفراد  
قرار داشت. حزب توده نیز بناچار بود خود را تا  
حدی با این شرایط تطبیق دهد و برای اینکه  
توده‌های ناآگاهی را که دور وی جمع شده‌اند  
از دست ندهد، رادیکال نمائی کند. بنا بر این  
خوانندگان این سطور تعجب نخواهند کرد که در  
مردم شماره ۵۶ - دهم مهرماه ۵۸ بخوانند:  
" نکات مثبت و ثلایوده‌های درست پیش-  
پس قانون اساسی خرد اما که مسی -  
توانست پایه محکمی برای بهبود آن  
و تنظیم یک قانون اساسی مناسب و  
ثابت جمهوری اسلامی و درخور انقلاب  
بزرگ مردم ایران باشد، زیرا ما و به  
بها نه "اسلامی کردن قانون اساسی" به  
تدریج و گام به گام به کناری نهاده -  
شده و میشود و تنها و بندرت و به استثنای  
برخی نکات مثبت باقی میماند، یا  
آشکارا تحریف نمیشود، "

ما از این موضوع میگذریم که پیشینویس  
قانون اساسی که رویزونیستهای توده‌ای بدان  
استناد میکنند، چه بود چه نبود، ولی میبینیم  
که حزب توده اعتراف میکند که "نکات مثبت و  
ثلایوده‌های درست" پیشینویس کنایه رفته و تنها  
"بندرت" و "با استثنای" نکات مثبت باقی  
میماند" با بزیان ساده حزب توده قبول نمی  
کنند که قانون اساسی خبرگان بطور عمده در جهت  
خلاف مصالح مردم است.

درباره اصل ۲۷ قانون اساسی خبرگان که  
از مهمترین مسائل مربوط به "امور اقتصادی"  
است. حزب توده چیزی را که امروز آن تعریف  
و تمجید میکنند و آنرا یکی از دلایل "دادان رای

داخلی از رشته‌های مهم و حیاتی... یا  
اصول مربوط به تحکیم استقلال سیاسی  
و نظامی... یا اصل نظام شورائی...  
(که)... در اساس نظام شورائی را  
پذیرفته و تثبیت کرده است و با اصل  
مربوط به آزادیهای احزاب و جمعیتها  
و انجمنها و مطبوعات و غیره... یا اصل  
مربوط به ممکن و بهداشت و آموزش...  
از این استدلال بوی گنداب رویزونیستی  
بمنام میرسد، اینها زمانی از "مثبت بودن"  
فصل امور اقتصادی و... قطع چنگال سرمایه  
های انحصاری امپریالیستی و... حرف می -  
زنند که تمام نیروهای انقلابی دمکرات اعم  
از چپ و غیرچپ با وجود اختلافاتی که در ارزیابی  
از قانون اساسی خبرگان دارند - اختلافاتی  
که بر دیدگاه طبقاتی آنان مربوط میشود -  
آنحاکم به سلطه امپریالیستی و سرمایه داری  
وابسته یا بقول حزب توده به "فصل امور اقتصادی -  
دی" میرسد، در این نظر مشترکند که "قانون  
اساسی "خبرگان" سرما به داری و وابسته را عملا  
برسمیت شناخته است" در این مورد قضا بیا  
آفندرو واضح و آشکار است که حتی نیروهای  
نظیر سازمان مجاهدین خلق "که قائل از این با  
سازشکاریهای آنان با رژیم حاکم در مورد کرد  
ستان، در مورد رفراندوم گذاشتن جمهوری اسلامی  
و... آشنائی داریم، با دست پخت مجلس  
خبرگان مرز بندی میکنند، آنها از موضعی  
مترقیانه بگی از دلایل "رای مثبت دادن"  
را عدم "الغای تمام قراردادهای سنگین استعما -  
ری و قطع وابستگی های امپریالیستی و ملی  
کردن کلیه سرما به گذارها و سهام مربوط به  
ویژه در رابطه با امپریالیسم آمریکا دشمن  
اصلی ما" توسط مجلس خبرگان میداند.  
در مورد نظام شورائی، آزادی احزاب نیز  
دیگر سخن نمی گوئیم، چرا که ما به همراه  
تمامی نیروهای راستین انقلاب نشان داده ایم  
که این قانون چنین مواردی را نه فقط تصر -  
یح کرده، بلکه آنرا زیر پا نیز گذاشته است  
(مراجعه کنید به مقالات پیکار در مورد قانون  
اساسی و اطلاعات و اعلامیه س.ج.ف.ح. در مورد  
تحریم قانون اساسی و همینطور دلایلی که  
سازمان مجاهدین خلق در سید ۴ و ۵ و ۶ از ۷  
بند دلایل خودداری از دادن رای مثبت بعنوان  
کرده است - تلگراف مورخ ۲۲ آبان به مجلس  
خبرگان) و همینطور اصل مربوط به ممکن  
و آموزش و پرورش و بهداشت و... که جزء خواست  
های اساسی زحمتکشان است و "خبرگان" بنا  
سرما هیت خود و وابسته اند به آنها یا بح  
دهند.

مان به نرخ روز خوردن  
با تناقض گوئی

اما چهره رویزونیستهای توده‌ای زمانی

## رویزونیستها و قانون اساسی

در شماره قبل به موضعگیری لیسرا لیا و  
رویزونیستهای سجاهانی در باره رفراندوم  
قانون اساسی اشاره کردیم، اینک بحث مربوط  
به رویزونیستها را ادامه میدهم.

ب- موضعگیری رویزونیستهای توده‌ای:

"حزب توده" با پیروی از تئوری رویز -  
ونیستی "راه رشد سرمایه داری" که در واقع  
راه رند و نفوذ و سلطه سوسیال امپریالیسم  
نووری را نشان میدهد و با توجه به مسائلی  
بارزیم کنونی ایران که بر اساس عرضه یکری  
بسیه داب و "نماح" از یک طرف و ناشی  
اساسی ترین عملکردهای رژیم، از رفراندوم  
فرسکارانه برای "جمهوری اسلامی" گرفته تا  
شرکت در راهیمائی "قدس" و "وحدت" (حزب  
جمهوری اسلامی و شرکا) (۱) قرار دارد، اینسار  
نیز در روزگی خود را در آستانه نویسی سوزناوی به  
سوا حسن نشان داد و با دادن رای "آری" آن  
هم در فعالترین شکل خویش ثابت کرد که تا  
کجا از مافع خلق فاصله دارد و چگونه در جنبه  
ضد انقلاب استوار و ثابت قدم میباشد!

رویزونیستهای توده‌ای با دادن رای "آری"  
به قانون اساسی برای چندمین بار نشان دادند  
که چگونه حاضرند ما سند تمام رویزونیستها و  
ابورونیستها و نمایندگان طبقه کارگر و  
عوم کنند و حتی حرفهای خود را که تنها یکی دو  
ماه پیش زده‌اند، زیر پا بگذارند.

حزب توده برای شرکت خود در رفراندوم و  
دادن رای "آری" به آن "استدلالات" سه گانه‌ای را  
طرح کرد که در زیر آنرا با اختصار ملاحظه خواهی  
کرد:

"استدلالات حزب توده"

اولین استدلال حزب توده اینست که:

"بحث قابل توجهی از اصول عمده قانون  
اساسی توانست است بطور مثبت مسائل  
مطروحه را حل کند. از این قبیل است،  
فصل امور اقتصادی و اصولی که در زمینه  
تحکیم استقلال اقتصادی کشور و جلو -  
گیری از استعمار و کمک به زحمتکشان و  
در جهت قطع چنگال سرمایه های انحصاری  
امپریالیستی و سرمایه های غارتگر وابسته

(۱) - در راهیمائی با اصطلاح "قدس" زمین  
تجاهم و لشکرکشی به گردستان و مطبوعات (و از  
حمله خود "مردم!") و بستن دفاتر سازمانهای  
انقلابی و حتی رویزونیستها (نظیر حزب توده)  
و زمینه اعدا انقلابیون خلق کرد چیده شد و  
حزب توده با شرکت در این راهیمائی برنامه  
خواست های ارتجاعی ترتیب دهندگان این  
نمایش مضحک یا سخ مثبت داد. در راهیمائی  
"وحدت" نیز که هدف کوسیدن نیروهای دمکرات  
مذهبی (علاوه بر نیروهای راستین چپ) و ادامه  
کشتار خلق کرد و... بود، باز حزب توده به  
خواست "حزب جمهوری اسلامی" و شرکای ارتجاعی  
ا و سبک گفت!

## قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

مثبت " مینا مدغیر قابل قبول میدانم و میگوید " متن جدید موصوبه خبرگان با افزودن همین یک کلمه (مال) تمامی روح و مفهوم را تغییر داده و آنرا غیر قابل قبول ساخته است " (مردم شماره ۶۰ - ۱۶ مهرماه ۵۸)

( خود اصل ۲۷ چنین است : " حیثیت ، جان و مال حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض ممنون شناخته شده است )

و با درجاش دیگر از مردم میخوانیم :

مثبت دادند " در موارد مهمی از خواست و منو-  
بات مردم مردم و اهداف انقلاب بزرگ ما فاصله  
گرفته است " (مردم شماره ۶۱ ، ۱۷ مهر ۵۸)

● رویزیونیستهای توده‌ای با دادن رای "آری"  
به قانون اساسی برای چندمین بار نشان  
دادند که چگونه حاضرند مانند تمام رویزیو-  
نیستها و اپورتونیستها و تمام دشمنان طبقه  
کارگر رنگ عوض کنند و حتی حرفهای خود را که  
تنها یکی دوماه پیش زده اند ، زیر پا گذارند .

حال که تناقض گوئی این چا کران آستان  
قدرتمندان را ملاحظه کردید ، اجازه دهید نکته  
دیگری را نیز تذکر کنیم ، تا دیگر جری حسرف  
باقی نماند ، ممکن است رویزیونیستها عنوان  
کنند خوب این حرفهائی که ما تا اصل ۶۹ (که تا  
مردم شماره ۶۴ - ۲۱ مهرماه ۵۸) زده ایم  
شامل کمتر از نصف اصول قانون اساسی است و  
ما تا این تاریخ راجع به تمام مواد اظهار  
نظر نکرده ایم . در پاسخ با بدگفت که بررسی -  
هایی که تا مردم شماره ۶۴ صورت گرفتند  
شامل اساسیترین مسائل مربوط به " اصول کلی  
قانون اساسی " ، " فعل مربوط به امور  
اقتصادی " و " حقوق ملیتها " و " زنان " و  
" آزادیهای دموکراتیک " میباشد و اینها  
اینها نمیتوانند گریبان خود را از اینهمه  
تناقض گوئی که صفحه‌ای دیگر بر صفحات کارنامه  
سیاه عمده کردگان میافزاید ، رها سازند .

اما چیزی که به حزب توده اجازه داد تا  
این راحتی رنگ عوض کند (هرچند که برای  
رویزیونیستهاي خا شنی مثل اسنان رنگ عوض  
کردن کاری ندارد) شرایط و محیطی بود که پس  
از اشغال سفارت بوجود آمد ، بدین معنی که  
هیئت حاکمه توانست با هماهنگی نشان دادن  
خود با مبارزات توده‌ها بر علیه امیرالایم  
با فریادهای دروغین ضد امیرالایمی بسیار  
دیگر و چند روزی بیشتر نظر توده‌ها را نسبت به  
خود جلب کند و تمیهای دروغین امید را در دل  
آنان نسبت بخود بکار د و از این طریق و با استفا-  
ده از احساسات مذهبی توده‌ها در روزهای ماه  
محرم (عاشورا) آنها را بپای صندوق رای  
بکشاند .

حزب توده در چنین شرایطی تمامی کوشش  
خود را بکار برده تا توده‌ها را زیر پرچم ما حسان  
قدرت فراخواند یعنی همان کسانی که خلق  
کرد را بخاک و خون کشیدند . همانها نیکه ۹ ماهه  
تمام حاضر شدند قزاق‌ها را دهای مهم امیرالایمی  
را افشا و لغو سازند (جز یکی در مورد ، آنچه از  
فرط ناچاری و برای بستن دهان مردم ) .  
**دومین** " استدلال " حزب توده را همین موضوع  
تشکیل میدهد ، آنها هم آواز با هیئت حاکمه و با  
علم کردن همان دلیلی که رژیم برای پسیای  
صندوق کشیدند توده‌های نا آگاه عنوان میکنند  
که با یستی مردم با شرکت در فریاد کدازی  
... نگذارند که مسئله شرکت در همه پرسی با  
نحوه رای دادن به آن به دستاویزی در جنگ  
دشمن ما بدل گردد ... !

**اما سومین دلیل** حزب توده ؛  
" این زندگی واقعی مردم و مبارزه سیرو  
های انقلابی است که نقش تعیین کننده  
را دارد و هر سندی ، بهر نحو تودوسی و تهیه  
شود بدون حمایت مردم و بدون انطماق  
با نیاز زمان ، قدرت اجرایی نخواهد

داشت ..."  
حزب توده دیگر حتی حرفهای دوماه پیش  
خود را هم فراموش میکنند و از توده‌ها میخواهند  
که به قانون اساسی رای آری بدهند ، چرا که  
این مهم نیست این قوانین ارتجاعی ضد -  
انقلابی باشند ، بلکه خود توده‌ها باید به  
درستی با نا درستی آن برسند ! این استدلال  
تمامی اپورتونیستها و رویزیونیستهاست که  
عنصر آگاه و پیشرو انقلابی را همسته نمی‌می-  
کنند . آری ، این منطقی است که حزب توده  
با آن در زمان شاه نیز حاضر بود ( همانند  
لیبرالها ) سلطنت با شدولی دیکتاتوری شاه  
نیاید ، با این قمییل استدلالهاست که حزب  
توده در راهیما شی اول ماه مه چون اکثریت  
توده‌های نا آگاه ، در پشت سر حزب جمهوری  
اسلامی قرار داشتند بدینال آنها روان ندایا  
این استدلال بود که حزب توده با ز در راهیما -  
شی با مصطلح " قدس که هدف آن اتحاد میسه  
برای لشکر کشی به کردستان ، حمله به مطبوعات  
و نیروهای انقلابی بود ، شرکت کرد ، ( برای  
اینکه بقول خودش از مردم جدا نیفتد ) و با  
این استدلال بود که حزب توده در راهیما شی  
با مصطلح " وحدت " که هدف آن کوبیدن نیروهای  
دمکرات مذهبی از جانب مرتجعین " حزب جمهوری  
اسلامی " و شرکا بود ، شرکت کرد ، آری ، در گذشته حزب  
توده در اتحاد میسه برای کشتار خلق کسرد ،  
کوبیدن دمکراتهای مذهبی عملا منع ا : نجاج  
وارد عمل شده است و اینک مهر خود را  
در کنار لیبرالهای سهم در قدرت و قتریبون  
مذهبی و رویزیونیستهاي سه جاتی سربای  
قانون اساسی ، این زنجیر و بند پای زحمت -  
کشان میگذارد .

( ۱۸۱ مه دارد )

### نقشه از صفحه ۸

#### حشش ملی

ژاندارمری و شهر یانی بوده اند ، چور توده گیر با  
وزدوبند ژاندارمری برای شان قیلاک ملا مقید  
بوده است و وجود پانداران را فقط در همین رابط  
محکوم میکنند چه چیز دیگر . قابل یادآوری است  
که " جریری " اساندارستان و بلوچستان را  
همین عده بگروگان گرفته بودند .

این وظیفه جوانان آگاه و انقلابی در  
بلوچستان میباشد که بدون هیچگونه سستی به  
افسای همه جا نیه امیرالایمی سوزیه امیریا -  
لیم آمریکا ، ارتجاع حاکم در ایران و در  
منطقه (خوانین و...) بپردازند .



(قسمت آخر)

بمناسبت ۲۱ آذر:

یاشاسین بیزیم ترک خلقمیز!

## گرامی باد خاطره قیام پرشکوه خلق آذربایجان

که مردم ایران انتظار داشتند از تو کوری چون قوام با طناب دادا استقبال کنند، رهبران فرصت طلب حزب توده، "حل صحیح" مسئله آذربایجان و "رفاه" ملت ایران را از قوام می طلبیدند!

سهرحال قوام در پی تمسک با رهبران

شوروی برآمد و آنها نیز آنرا پذیرفتند.

متأسفانه شوروی استالینی در آن هنگام یکی

از بزرگترین اشتباهات خود را نسبت به خلق

مبارز ما انجام داد. خلق ما هیچگاه این عمل

شوروی سوسیالیستی تحت رهبری استالین را

که در آن لحظات حساس منافع خلق ما را

وجه المصلحت منافع خود قرار دادند، فراموش

نخواهد کرد. مذاکرات قوام با استالین و

مولوتوف در مسکو انجام گرفت و استالین

تقاضای امتیاز استخراج نفت شمال را کرد و

در عوض قول دادند که مجلس ملی آذربایجان

به همان انجمن های ایالتی ولایتی که در

قانون اساسی سابق آمده بود و هیچگاه اجرا

نگردید تبدیل شود. موافقت نامه قوام -

مازیکف خط بلطانی بودیرتاما میسارزات

قیه مانانه خلقهای ایران و بویزه خلق آذر-

بایجان. خلق قهرمان با بحق انتظار داشت

که در آن هنگام اگر حکومت شوروی قادر به

حمایت از جنبش انقلابی در کشور ما نیست ارتش

خود را از کشور خارج ساخته و لااقل آنرا با زبجه

منافع تنگ نظرانه و ناسیونالیستی قسرا

ندهد و با این عمل با حیثیت شوروی سوسیال-

لیستی و منافع خلقهای ما بازی نکنند، ولی

افسوس!

هنوز با زبهای ارتجاع به پایان نرسیده بود

دومین دام قوام تشکیل کا بینه اشتلاقی بیود.

رهبران حزب توده و حزب ایران خاشانه در آن

شرایط به خلق پشت کرده و در دولتی قرار گرفتند

که ما مورتدا رک برای سرکوب خونین جنبش

انقلابی بود.

اما این تمام با زبهای قوام نبود، ولی

ما بدلیل اخترا از آوردن تمام آنها صرف نظر

میکنیم.

هجوم بیرحمانه ارتجاع و شکست خلق

بندبا زبهای قوام بیابان رسیده بود و حال

شرایط آن فراهم آمده بود تا پرده های فریب و

سیرتک کا ملامه کناری رفته و سرکوب خونین خلق

آغاز شود. قوام که خیالش از جانب رهبران

شوروی کا ملا آسوده بود به ارتش دستور داد که

برای "نظارت" انتخابات مجلس به آذر-

بایجان برود. درست همان روزی که قوام خاشن

دستور حمله به آذربایجان را داده بود مسئولین

شوروی رسماً از پیشه وری خواستند که نیروهای

مسلح آذربایجان نیا بددیرا برارتن ایستاد-

گی کنند. از روزهای نازدهم و هفدهم آذرماه

تند و قدرت دوگانه بین حکومت دمکراتیک آذربایجان و حکومت ارتجاع بوجود آمد.

جنبش دمکراتیک آذربایجان و تشکیل

حکومت ملی خلقهای سرنگ سرکشور راه هجیان

آورد. همه به حق منتظر بودند که حکومت ملی

سیح نظامی داده و برای سرنگون کردن حکومت

تهران حرکت کند. شکی نبود که اوضاع انقلابی

در سرکشور موجود بود و زمان برای تصفیه

حساب با ارتجاع و امیرالیم فرارسیده بود.

ولی این انتظار بیهوده بود زیرا فرصت طلبانی

که بقدرت خریدار بودند، دیگر منافع خود را

ثامین با فتنه می دیدند و منافع از حرکت قاطع و

انقلابی خلق بر علیه ارتجاع و امیرالیم

نشدند.

بلافاصله پس از تشکیل حکومت ملی در

آذربایجان خلق کرد نیز به رهبری قاضی محمد

طی نظارات وسیعی تشکیل حکومت کردستان را

رسماً اعلام نمود و دوم بهمن ماه همان سال

مجلس ملی کردستان منعقد و قاضی محمد راه

عنوان صدر حکومت ملی انتخاب نمود.

ما سوره های ارتجاع، تسلیم طلبی حزب توده

و اشتباهات دولت شوروی

ارتجاع که بیابایی در مقابل حرکت توده های

دجارتکت می تند سخت به سکا بو افتاد. روزاول

بهمن ماه ۱۳۲۴ نخست وزیر حکیمی که بسا

مشکلات سیاسی فراوانی روبرو بود و شانس

مذاکره با دولت شوروی را نیز نداشت ناچار به

استعفا گردید و در ششم بهمن اقدام قوام -

السلطنه (سوکرسا خنده شده سرکار آمد. قوام

کسی نبود که نا شناخته باشد. سالها سرسپردگی

وی به امیرالیم و دربار او را کا و پیشانی سفید

کرده بود. ولی فرصت طلبان با روی کار آمدن

قوام و زست های "دمکرات" متنا نه ای که او

می گرفت سرعت رنگ باختند و تسلیم او شدند.

حزب توده در این باره نوشت: "بعضی زمام -

داری آقای قوام السلطنه چون بر ما مسلط

گردید که موضوع اصلاح روابط با همایگان در

سرلوحه، بر نامه، ایسان قرار گرفته است و مصمم

هستند سیاست خارجی ایران را بر اساس محکم و

متینت بیابان نیند و در امور داخلی دست به یک

سلسله اصلاحات اساسی بمنظور ناسیونالیستی و

رفاد حال مردم ایران برسد و همچنین

چون واضح شد که آقای نخست وزیر عزم دارند

موضوع آذربایجان را به نحو منطقی و صحیحی که

ثابته، یک دولت دمکرات و مترقی است حل

نمایند، بدون هیچگونه قید و شرطی با تمام

نیروی تشکیلاتی خود از ایسان پشتیبانی

مؤدیم" (۱). زهی، بیشرمی و نداشت. در زمانه -

(۱) - رهبر، شماره ۲۴ - ۲۵/۲/۲۴ از

اعلامیه، کمیته، مرکزی حزب توده.

در شمار قبیل راجع به مظلومی که رژیم سفاک پهلوی نسبت به خلق آذربایجان روا میداشت و زمینه های وجود آمدن فرقه دموکرات ویرنا مه و نظرات آن اشاره کردیم اینکا ادامه بحث:

خلق به بیس منازدارتجاع بوخت می افتند

تشکیل فرقه دموکرات و این مسئله که

آذربایجان در منطقه نفوذ ارتش سرخ قرار

داست، ارتجاع را بسدب بهراس افکند. ایس

بود که دولت صدرا لراف که در آن موقع کا بینه

زادرت داشت سید مهدی فرح را که ساقیه

سکیمی در دوره دیکناسوری رضا شاه دانست به

استاداری آذربایجان منصوب کرد. فرقه

دموکرات در باخ به اس عمل ارتجاع روز

هفدهم میزماه ۱۳۲۴ قطعاً صدای صادر کرده و

سذب سست به اس استعاب اعراض کرد. موج

رضیا شده، حسن سوده ای صدر راه وحشت

انداخت و از فرسایان سید مهدی فرح منصرف

ساحت.

اوضاع انقلابی در آذربایجان فرار شده -

بود دیگر دهقانان نمی خواستند، چا و لکسری

زاداست، امینا، اربابها و ما موران دولتی را تحمل

کند، در جرم شرایطی بود که فرقه سیده ها

دستور داد که در برابر سار و ارا زادار میا از

خود دفاع کند. به محض صدور اس فرمان حرکت

دهقانی ابر مردان کدسه و در عرض مدت

کوتاهی تمام با دکانهای زاندارسوری در

برتا سر آذربایجان توسط دهقانان خلق سلاح

بندد. در مدتی کوتاه خلقی زنده بوس و کرسنه و

سار همد بیدسروی مسلح در سمدی مبدل شد.

سذب سرسب در آذربایجان قدرت دوگانه

بوجود آمد. در سکتور دهقانان و زمینگان

سلاح و بحر بحری فرقه و در طرف دیگر ارتش

و سکتار: ارتجاع، دولت مرکزی مصمم به اعزام

سپرده آذربایجان گرفت ولی نیروهای دولت

در سرتیکی فرسوس توسط ارتش سرخ منوقف

سندد.

بندبا این حرکت، کیکره، خلق آذربایجان

در ۲۹/۷/۱۳۲۴ تشکیل یافت. در این کیکره

مجلس موسسان وسیعی تشکیل شد و دستور انجام

انتخابات برای ایجاد مجلس ملی داده شد.

روز ۲۴/۹/۱۱ نظامیان بدستور سرتیب

در خانی و سرتیب و راهم رشتی سا دلنگس

آذربایجان بدروی عزاداران حسینی آتش

کشودند.

روز ۲۴/۹/۲۹ مجلس ملی آذربایجان شروع

بکار رسوده و بینه وری را ما مور تشکیل کا بینه

کرد.

و بلا آخره روز ۲۲ آذرماه با مذاکراتی

که بین نمایندگان حکومت ملی و فرماندهی

لشکر آذربایجان، سرتیب در خانی بعمل

آمد، با دکان سرتیب خلق سلاح و کلسه، سلاح های

آمان بدسکتلات حکومت ملی تحویل داده شد.

سذب سرتیب در آذربایجان قدرت خلق مسلط

جلادان خلق آذربایجان در آذرماه سال ۱۳۲۵ باید محاکمه گردند

۱۳۲۵ ما مورین نظامی و سیاسی شوروی که در خدمت فرقه دمکرات فعالیت میکردند بصرعت ایران را ترک کردند. آنها نه تنها کمکی به فرقه نکردند بلکه حتی سلاحها را هم که در دست ارتش مسلح فرقه بود گرفته با خود بردند بطوریکه خلق آذربایجان در مقابل ارتشی که تا دندان مسلح بود فقط به سلاحهای سبک مجهز بود. بلافاصله پس از دستور حمله قوام به آذربایجان فرقه دمکرات تشکیل جلسه داد. در این جلسه که مسئولین سیاسی شوروی نیز حضور داشتند، پیشه‌وری مخالفت صریح خود را به عدم ایستادگی در برابر ارتش اعلام کرد. ولی عناصر بورژوازی که در رهبری فرقه مدفوع کرده و پشت از این حرکت ارتجاع به وحشت افتاده بودند ترک مقام و مت را پیش نهاد کردند تا به بیانه اینکه "خون ریزی نشود"، زبونی خود را پنهان کنند. ما مورین شوروی که مخالف مقام و مت بودند بصرعت پیشه‌وری را از ایران بیرون بردند و رهبری فرقه را به دست عناصر زبونی سپردند تا حاصل خون هزاران شهید خلق را برباد دهد.

شورمقام و مت در آن روزها در میان خلق ترسک سی انداز بود. بدون آنکه فرقه خواسته با شد فداشیا ن مسلح جلو ارتش را سد کرده ضرباتی به آن وارد ساختند. ولی دائماً دستور ترک مقام و مت و تحویل سلاحها را زوسی فرقه داده میشد. خیانت رهبری فرقه به اوج خود رسیده بود. عناصر بورژوازی چون دکتر سلام الله‌جا و بدوشبتری که در رهبری فرقه بودند نقش موثری در شکست جنبش داشتند و بعد از طرف شاه شاهن به پاس نوکری - شان مورد عفو "سلوکانه" قرار گرفتند. ارتش ضد خلقی روی تمام رتشیهای جنا پتکار را در دست نیافتید نمود و در آذربایجان حمام خون بپا کرد. مردان را سر بریدند، زنان و کودکان را مورد تجاوز قرار دادند، اموال را غارت کردند و... پرویرا - نه‌های شهرتیریز شراب نوشیدند.

قیام آذربایجان شکست خورد زیرا:

۱ - بورژوازی در رهبری جنبش نفوذ یافت و اثر او را درون تضعیف کرده و بدست تسلیم کشاند. بورژوازی که تا مدتی با جنبش همراهی نموده بود هنگامیکه منافق خود را برای اوج جنبش در خطر دید، به توده‌ها پشت کرده و به خلق خیانت کرد.

۲ - عناصر مول درون فرقه دمکرات آلت دست بورژوازی شدند و سلاح مبارزه طبقاتی را از دست دادند. مبارزه ملی خلقها برای استقلال و آزادی هیچگاه نمیتواند بدون مبارزه طبقاتی پیروز شود.

۳ - رهبران فرصت طلب حزب توده نقش مهمی در خواب کردن خلق بیجا بسته ایران و میدان دادن به ارتجاع بازی کردند. داغ‌ننگی که از شکست جنبش دمکراتیک آذربایجان بر پیشانی این ورشکستگان سیاسی باقی است هرگز پاک نخواهد شد. اینان وقت و پیشرو را به جدی رساندند که حتی پس از شکست نهفت نوشتند "درما گذشته نیروهای دولتی به تیریز سرکسز ایالت آذربایجان وارد شدند و این عمل طبق دستور تلگرافی استاندارت آذربایجان و انجمن ایالتی آن سازمان انجام گرفت. پیش از آنکه استاندارت آذربایجان ورشکستگان ایالتی موافقت خود را با دستور دولت اعلام دارند برخی از رهبران فرقه دمکرات آذربایجان که پس از

بغیبه از صفحه ۱۶ ریشه‌های ...

گردید و در آن ۱۳۵۰ فعالیت خود را در زمینه دادن وامهای ساختمانی شروع کرد. تا زه‌هنوز ۵ ماه نگذشته بود که در اواخر همین سال این شرکت با انتشار روفروش ۴۰۰ میلیون ریال سهام جدید سرمایه خود را به ۵۰۰ میلیون ریال افزایش داد! وضع بانکها و شرکتهای پس - انداز زمسکن از لحاظ پرداخت وام و اعتبارات در جدول ۷ داده شده است. همانطور که مشاهده میشود وامهای پرداختی مثلا بانک رهنسی و صندوق پس انداز آن ۶/۵۰ میلیاردریال در سال ۵۱ به ۴۲/۳ میلیاردریال در سال ۵۶ رسیده است یعنی در عرض ۵ سال حدود ۶/۵ برابر شده است و این برای بانک رفاه کارگران این رقم در عرض ۵ سال مذکور ۴/۸ برابر می - باشد. این التهاب در سرمایه‌گذاری در مسکن با لایحه منجر به تغییرات اساسی در ساختار مسکن شد و سرمایه‌های این بانک از زده‌ده‌ده‌ده که مستقیماً در امر خانه‌سازی سرمایه‌گذاری کنند.

نحوه اجرای سیاستهای این بانک‌ها نیز بسیار قابل توجه است. مثلاً در تیر ۵۶ بانکهای رهنی و رفاه کارگران دستور العمل تازه‌ای برای اقساط وامهای ساختمانی تهیه کردند که بر اساس آن بهره این اقساط ۱۰ درصد افزایش یافت. میزان پرداختی این وامها نیز همواره بر اساس همان خط مشی ای بود که هیچگاه از التهاب مسئله مسکن ورشد تقاضا برای آن و کم بودن عرضه مسکن کاسته نشود. مثلاً مسئله‌ای که بارها اتفاق افتاده و مردم آن را متحسان کرده‌اند (در جمهوری اسلامی نیز این سیاست پناهد شد که بعداً بدان خواهیم پرداخت) این بود که بی‌اعتدال عدم عرضه وامهای ساختمانی، پرداخت خیرات و مسکن به مردم از طرف بانکها ناگهان قیمت همین وامها و موجودات نیز بالا می‌برد. در این باره کمیته ۱۱ تیر ۵۶ نوشت: "یکی از مسائلی که موجب میشد قیمت خانه و آپارتمان در تهران و شهرستانها

ترقی فاش یا بدمتنی نبودن وامها نکنها با عرضه وام‌های مسکونی بود." نوع وامها نیز می‌تواند مل این حقیقت است که هدف فقط کسب بهره‌ها فی از یکطرف و افزایش تقاضا برای خرید مسکن از سوی دیگر بوده است زیرا که قسمت مهمی از اعتبارات مسکونی و مسکن را اعتبارات خرید وام‌های مسکونی تشکیل میدادند و این خود با لا رفتن هزینه مسکن را تسریع میکرد چنانچه جهت خرید وام‌های مسکونی تنها تقاضای خرید را افزایش می‌دهد بدون اینکه کوششی از طرف گیرندگان عادی مردم برای ساختن واحدهای مسکونی بکار رود و کمکی به افزایش عرضه مسکن کرد و بدین ترتیب هم‌انطور که ملاحظه میشود اختتام قسمت عمده اعتبارات ساختمانی جهت خرید وام‌های مسکونی موجب تشدید عدم تعادل و در نتیجه افزایش سرمایه‌ها و وام‌ها و تقاضای مسکن است. بررسی وامهای پرداخت شده توسط تعدادی از بانکها و شرکتها پس از آنکه وام مسکن طی سالهای گذشته نشان میداد که علی‌رغم فروتنی تقاضا و عرضه کم وام‌های مسکونی، قسمت عمده وامها و ساختمانی به خرید واحد - های مسکونی اختصاص داده شده است بطوریکه سهم وام خرید خانه در کل وام مسکن پرداخت شده توسط بانکهای تخصصی و شرکتها پس از آنکه وام مسکن در سال ۱۳۵۴ حدود ۶۵ درصد و در سال ۱۳۵۵ حدود ۶۷٪ بوده است (ب) این سیاست با نگرانی تخصصی مسکن که در عین دریافت بهره - های کلان، خود به مرتشدید عدم همکاری بین عرضه و تقاضا کمک میکردند می‌توانند خوبی سهم بانکها را در امر مسکن نشان دهد.

شکی نیست که این سیاست نتیجه فشار خود را عمدتاً بر دوش حمتکشان متمرکز می‌سازد زیرا برای افزایش تقاضا و کمبود مسکن، هزینه مسکن و با لایحه میزان اجاره بها افزایش یافته و اثرات آن بر زندگی توده‌ها منعکس میشود. (ب) اما از مجله بانک مرکزی ایران سه ماهه اول ۵۷ دنیای لاه را رد ...

حادثه زنجار نسبت به ورود قوای دولتی خوش - بین نبودند و قصد مقام و مت داشتند. ولی از قرار سرانجام کمیته مرکزی فرقه دمکرات مسالمت را در هر حال بر منافع ترجمه داد و بیخاطر حفظ صلح در داخل ایران که برای حفظ صلح جهان مفید است و بمنظور جلوگیری از جنگ و برادر کشی از قصد مقام و مت صرف نظر نمود و ترک مقاومت اعلام شد. با توجه به نفوذ یکدیگری که از این اقدام ناشی میشود باید به هر جهت از آن هوا داری کرد زیرا یک عقب نشینی سودمند از یک جمله زبان - بخش بیشتر در خور قبول است... البته ما نباید طرفدار آن باشیم و لویه قیمت خونریزی در جهان به پیروزی موقتی نائل آئیم. بهتر آنست که ما در پناه صلح جهانی و پیشرفت آزادی درس - اسر عالم پیش رویم" (۲)

۴ - و با لایحه نقش شوروی در جلوگیری از مقام و مت مسلحانه تا تیر مهمی در شکست جنبش در پان این مقاله به جاست که فهرست و اربه برخی از املاطاتی که حکومت ملی فرقه دمکرات در آذربایجان طی یکسال حیات خود بداند دست زدا تا ره کنیم (۳):

۱ - اراضی مالکین فراری تقسیم شد و قانونی نیز جهت تقسیم محصول برفع

- ۱ - دهقانان تصویب گردید.
- ۲ - مبارزه ضد بدمتنی و موثر با رشوه خواری عملی شد.
- ۳ - کلیتیکهای بهداشتی سیار به روستاها ارسال میگشت.
- ۴ - نرخ اجناس کنترل میشد و قیمت کالا - های مورد نیاز عموم ۴۰٪ کاهش یافت.
- ۵ - قانون حد اقل بیگاری و اجاره بها افزایش کار تصویب و بین کارفرمایان و کارگر - ان قرار دادهای دسته جمعی بسته شد.
- ۶ - برنامهمکار همگانی اجرا و قسمت اعظم خیابانها و کوچه‌ها اسفالت و سنگفرش شد.
- ۷ - برنامه آموزش همگانی اجرا و در دهات مدارس باز شد و دانشگاه تبریز با دو دانشکده پزشکی و ادبیات تأسیس گردید.
- ۸ - با مفاسد اخلاقی مبارزه موثر شد.
- ۹ - دستگاه رادیو و فرستنده نصب گردید.

- (۳) - مردم، شماره ۴ سال اول دوره پنجم به نقل از مقاله "اندرز تاریخ"
- (۳) - اقتضای زمان ماخذ ۳۴۳

## درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۵۶)

هنگامیکه چریکهای فدایی به تقی دیکتاتوری پرولتاریا می‌رسند

### توضیح

پنجمین قسمت "درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی" در پیکار ۲۸ آمده بود و اینک قسمت ششم این مقاله را مطالعه می‌کنید. اما بخاطر اینکه خوانندگان بتوانند این بحث را بهتر دنبال کنند، بار دیگر قسمت پنجم مقاله را نیز می‌آوریم.

سنتی جامعه سرمایه‌داری در کارگر باقی مانده است. کارگران جامعه سوسیالی می‌سازند بدون آنکه خود به انسانهای نوین منزه از آلودگیهای دنیای کهنه تبدیل شده باشند، برعکس هنوز تا زانو در این لجنزار فرورفته‌اند. پاک شدن از این آلودگیها فعلاً فقط در عالم اندیشه میسر است. پنداری عمیقاً واهی است اگر فکر کنیم که اینکار را می‌توان فوراً عملی ساخت. این پندار واهی در عمل استقرار سوسیالیسم را فقط به نهای سماوی موکول خواهد کرد.

نه، ما اینطور به ساختمان سوسیالیسم نمی‌پردازیم. ما سوسیالیسم را بنا می‌کنیم در حالی که میرزمینها مع سرمایه‌داری ایستاده‌ایم، در حالیکه علیه همه آن‌ها و معایبی مبارزه می‌کنیم که دامن زحمتکشان را نیز گرفته است و پرولتاریا را به سقوط سوق می‌دهد.

(گزارش به دومین کنگره اتحادیه‌های کارگری سراسری روسیه، ۲۵ ژانویه ۱۹۱۹) گفتار لنین درباره طبقه‌های است که در روسیه شوروی در رأس قدرت است طبقه‌های کهنه علیرغم تمام قهرمانیهایش علیرغم انجام انقلاب سوسیالیستی و کسب قدرت سیاسی هنوز تا زانو در لجنزار فرورفته است و آلودگیهای دنیای کهنه او را به "سقوط سوق می‌دهد". ولی رفقای فدایی لابد معترض می‌باشند می‌گویند منظور ما طبقه کارگری است که "در طول ۴ دهه (۱۹۱۷-۱۹۵۷) گام به گام به سوی تحکیم و تکامل سوسیالیسم به پیش می‌تازد..." ("کار" شماره ۱۸)

با پدید آمدن کنیم حقیقت فوق در اصل موضوع اساساً تفسیری نمی‌دهد، زیرا که جامعه شوروی سوسیالیستی در دوران رفیق استالین، کماکان یک جامعه طبقه‌ای است و لجنزاری که لنین از آن صحبت می‌کنند در این جامعه هنوز وجود دارد.

از عناصر کهنه شده دهقانان و خرده بورژوازی شهری که به معنای پرولتاریا پرتاب میشوند و در آنجا تعلقات طبقه‌ای خود را واردمی سازند، از میان کارگرانی که از موقعیت ممتاز برخوردارند و بهترین وضع را دارند و در میان آن‌ها "ناظر بروز داشی" است که آن خصائل منفی پارلمانتاریسم بورژوازی هستیم. (لنین: بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم، آوریل-مه ۱۹۲۰)، از میان روشنفکرانی که منشأه طبقه‌ای غیر پرولتری دارند و... از میان تمام این گروه‌بندیهای اجتماعی خرده بورژوا بطریق مختلف در درون حزب طبقه کارگر راه می‌یابند و "در آنجا روح تزلزل و اپورتونیسم، روح تفرقه و بی اعتمادی را داخل می‌کنند. بطور کلی همین‌ها هستند که منبع فراکسیون بازی و تجزیه و سرچشمه اغلال و انفجار حزب را داخل می‌باشند." (استالین: راجع به اصول لنینیسم). بطلان

از ایدئولوژی و مشی پرولتاریا بلکه ملهم از ایدئولوژی و مشی روبریونیستی و بورژواشی خواهند بود.

اما درک ساده گرایانه و مکانیکی سازمان چریک‌های فدایی خلق در برخورد به حزب طبقه کارگر اینچنین خود را برز می‌دهد.

"عجبا، طبقه کارگر آگاه، انقلابی و قهرمانی که به رهبری لنین و حزب بلشویک پس از سالها مبارزه، قدرت سیاسی را تسخیر می‌کند و حکومت کارگران را برقرار می‌سازد... به آسانی تسلیم عده‌ای روبریونیست میشود و خروچیف و داروسته‌اش در عرض چند سال دوباره طبقه کارگر را از طبقه‌های حاکمه طبقه‌های محکوم تبدیل می‌کند و نظام سرمایه‌داری را مستقر می‌سازند. بدون آنکه کارگران کوچکترین اعتراضی بکنند، مرجحاً به این استدلال عالمه... ("کار" شماره ۱۸)

چریکهای فدایی که هنوز از دیدگاه و بینش چریکی خود نمیربیده‌اند همچنانکه "چریک" را قهرمانی ملگونی و شکست ناپذیر تصور می‌کنند طبقه کارگر و حزب را نیز اینگونه ترسیم می‌کنند. اینان پیروزی اجتناب ناپذیر تاریخی طبقه کارگر و سوسیالیسم را به هر نقطه‌ای از زمان تعمیم می‌دهند و در مغیله یک بعدی خود نمی‌توانند بپذیرند که طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و در کشاکش مبارزه طبقه‌ای می‌تواند از قدرت فروافتد. شکست طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و سلب قدرت از وی محتمل نیست. لیکن اگر در مبارزه آگاهانه و طولانی طبقه کارگر ظلمی وارد آید و انقلاب مداوم این طبقه دچار توقف ورگردد، در آن هنگام تهاجم همه جانبه بورژوازی گسترش پیدا نموده و بعد از طی یک روند، ضربه قطعی فرود خواهد آمد. در زیربنای جامعه عناصر و عوامل سرمایه‌داری هنوز وجود دارند و در روستای آن ایدئولوژی و فرهنگ، عادت و سنت کهن و فاسدکننده، فعال می‌باشند و این مجموعه بلا انقطاع، طبقه کارگر و حزب را مورد هجوم خود قرار می‌دهند.

لنین می‌نویسد:  
"آری، میان طبقه کارگر و جامعه بورژوازی کهنه، دیوار چین فاصله نیست. و زمانی که انقلاب فرا میرسد حوادث مانند مرگ یک انسان جریان نمی‌یابد. که جسد او را بیرون می‌برند. زمانی که جامعه کهنه می‌میرد، جسد آنرا نمی‌توان در تابوت میخکوب کرد و در گور گذاشت. این جسد در میان ما زنده می‌ماند، می‌کند و خود ما را نیز آلوده می‌کند."  
(جلسه مشترک کمیته اجرائی مرکزی سراسر روسیه، شورای مسکو با پندگاران کارگران و دهقانان و ارتش سرخ و اتحادیه‌های کارگری، ژوئن ۱۹۱۸).

و با زلنین می‌نویسد:  
"میان کارگر و جامعه کهنه هیچگاه دیوار چین فاصله نبود. بسیاری از روحیات

اگر از گفتار خود تا بدینجا در یک کلام جمع بندی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که از نقطه نظر فلسفه دیاکتیک حرکت تاریخ دارای زیگزاگ و اخت و خیز بوده در همین حال که روند عمومی آن روبه بالای باشد. بر این پایه امکان اینک که یک کشور در حال ساختمان سوسیالیسم به عقب با زگرد و در آن نظام سرمایه‌داری تسلط یابد موجود است. زیرا در این جامعه عوامل بازدارنده زیربنایی و روستایی که مناسبات کهن را در خود حفظ کرده‌اند می‌کوشند تا این مناسبات را توسعه دهند و از زمین نرفته‌اند.

در این ارتباط هدایت جامعه سوسیالیستی توسط حزب طبقه کارگر تعیین کننده است. حزب سکان هدایت کننده جامعه‌ای است که در آن عناصر نظام کهن و عناصر رشد یافته نظام آتی در کنار یکدیگر قرار دارند. حزب برای پرولتاریا نه تنها از این جهت لازم است که بتواند انقلاب را به پیروزی برساند بلکه مهمتر از آن اینست که پرولتاریا بتواند دیکتاتوری طبقه‌ای را مستقر نموده و جامعه سوسیالیستی را بسوی کمونیسم رهنمون شود. حزب کمونیست ستاد فرماندهی پرولتاریا و اسلحه دیکتاتوری پرولتاریا می‌باشد. دیکتاتوری پرولتاریا بدون حزب راستین طبقه کارگر که متکی بر جهان بینی کمونیسم و مبانی ایدئولوژیک مارکسیسم-لنینیسم است نمی‌تواند استوار باشد. حزبی که از یک انضباط آهنین پرولتری و تشکیلات عالی برخوردار است، حزبی که در میان توده‌های وسیع نفوذ داشته و راهگشای جامعه آینده است. لیکن فراموش نکنیم که جامعه سوسیالیستی هنوز یک جامعه طبقه‌ای است و در آن طبقات و مبارزه طبقه‌ای برای مدت زمان بسیار طولانی وجود خواهد داشت. حزب طبقه کارگر در بطن چنین جامعه‌ای مدام مورد تهاجم ایدئولوژیک و نفوذ مخرب افکار و عادات بورژوازی و خرده بورژوازی می‌باشد. در حقیقت مبارزه طبقه‌ای جاری در اجتماع در درون حزب طبقه کارگر با زتاب پیدا می‌کند و جهان بینی بورژوازی و خرده بورژوازی بطور مستمر سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا را مورد تهاجم خویش قرار می‌دهد. بدین لحاظ احتمال اینک که حزب از مسیر خود به گمراهی کشیده شود و به انحراف بورژوازی در غلط پیوسته موجود است. زمانی که روبریونیسم به مثابه یک جریان فکری بورژوازی در درون حزب پرولتاریا غلبه پیدا کرد، در آن هنگام سکان هدایت کننده و ستاد فرماندهی طبقه کارگر تغییر ماهیت یافته و از مسیر خود منحرف می‌گردد. زیرا آنچه که تعیین کننده حرکت و ماهیت حزب است مشی و سیاست حاکم بر آن می‌باشد. با قلب ما هیئت پرولتری حزب و تبدیل آن به یک حزب روبریونیستی ستاد فرماندهی طبقه کارگر منهدم گشته و جامعه سوسیالیستی روبه انحطاط و بازگشت به عقب می‌گذارد. دولت حاکم خطت پرولتری خود را از دست داده و از این پس سیاستهای که در زیربنای و روستا پیاپی خواهند شد، دیگر نه ملهم

طبقه کارگر و حزب پرولتاریا در بین اجتماعات زندگی می کنند که توده های وسیع آن عمیقاً از فرهنگ کمونیستی برخوردار نبوده و مارکسیسم - لنینیسم هنوز زمین کهنه ذهنیت آنان را شخم نزده و زیر و رو نکرده است و می توان گفت حتی همه توده های حزبی از صلابت و استحکام ایدئولوژیک آنگونه که نایب است، برخوردار نشده اند و درست در همین زمان چنین جامعه ای آکنده از ایدئولوژی و فرهنگ امپریالیستی، بورژواشی، خرده بورژواشی و خرافات فئودال - مذهبی بوده و این همه طبقه کارگر و حزب او را مورد هجوم و تحت تاثیر قرار می دهند بقول لنین:

"ایدئولوژی امپریالیستی در طبقه کارگر نیز نفوذ می نماید. دیوار چین ایمن طبقه را از طبقات دیگر جدا نکرده است."  
(امپریالیسم، مباحثه با لاترین مرحله سرمایه داری)

چریکهای فدائی خلق که در پندارهای غیر دبا لکتیکی و چپا رچوب استدلالات رویزیونیستی غوطه و رند نمی توانند دریا بنده که بر اثر گسدام عوامل زیربنائی و روبنائی حزب پرولتاریا تغییر ماهیت یافته و طبقه کارگر می تواند از طبقه کارگر به طبقه محکوم تبدیل شود، صرف وجود افراد کارگر در حزب و دولت نیست که تعیین کننده ماهیت آنهاست. این مثنی و سیاست حاکم است که تعیین کننده می باشد و بعد اینکه حزب ستاد فرماندهی طبقه کارگراست. این حزب است که منافع آنی و آتی طبقه را تشخیص داده و با - سدار آرمان طبقاتی پرولتاریاست. زمانی که حزب از راه غلبه رویزیونیستها و اپورتونیستها و حاکمیت سیاستها و افکار آنها به انحراف کشیده شد، طبقه کارگر همچون سپاهی بی فرمانده می - گردد و قدرت را از کف می دهد.

مسلماً طبقه کارگر و حزب او نظاره گر ساده وقایع نخواهند بود. آنها با تمام قوا در این مصاف طبقاتی شرکت خواهند نمود. مبارزه علیه مناسبات اجتماعی کهن، مبارزه در عرصه اقتصاد جهت انکشاف تولید سوسیالیستی، مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک درون حزبی علیه مثنی های راست و رویزیونیستی، برپا داشتن انقلاب عظیم فرهنگی تحت دیکتاتور پرولتاریا و گسترش بخشیدن به فرهنگ مارکسیستی - لنینیستی در میان توده های جامعه از جمله اقدامات مبارزاتی طبقه کارگر در جهت تحکیم قدرت سیاسی می باشد. ولی اینکه در این مقطع لزوماً مبارزه طبقه کارگر به پیروزی دست یابد همیشه مسلم نیست. سرنوشت مبارزه طبقاتی و اینکه بالاخره کی بر کی پیروز خواهد شد هنوز روشن نبوده و بزودی حل نخواهد گردید.

چریکهای فدائی بر اساس برخورد غیر معتد با لکتیکی و پندارگرایی نه خود نمی توانستند معتقد با شدند که احزاب کمونیست اروپای غربی به منجانب رویزیونیسم و اپورتونیسم در غلطیده - اندوبه سگان نگهین سرمایه امپریالیستی تبدیل شده اند. در حالیکه واقعیت بر خلاف پندارهای خرده بورژواشی آنان حکم می دهد. حقیقت این است که عناصر فرصت طلب و رویزیونیست تحت لوای مارکسیسم در درون احزاب کمونیست نفوذ و راه یافته، از درون آهسته آهسته و گام به گام سنگر پرولتاریا را تضعیف کرده و آنرا فتح می کنند. دشمن از درون سنگر حمله

کرده و پرچم بورژوازی را به اهتزاز در می آورد. طبقاً هر اندازه هوشیاری رهبری حزب کم باشد و به مبارزه طبقاتی بهای لازم راندهد، هر چند دانش مارکسیستی توده های حزبی محدود تر باشد و آنها در مبارزه ایدئولوژیک آبدیده نشده و از تجربه کافی برخوردار نباشند به همان میزان خطر رشد رویزیونیسم و غلبه آن بر حزب بیشتر است. رویزیونیستها از درون حزب مانند خوره مثنی پرولتاریا را می جویند و در مقابل، سیاست بورژوازی را استفرغ می کنند و آنقدر فضای حاکم بر حزب را متعفن می سازند تا زمینه قدرت یابی بورژوازی کاملاً فراهم آید.

لنین می گوید:  
"با داشتن فرم نیست و منشویکها در مصوف خود، پیروزی در انقلاب پرولتاریا لسی غیر ممکن و نگاهداری آن محال است. این از روی اصول روشن است. و این را هم تجربه روسیه و هم هنگری آشکارا نشانید نموده است... در روسیه چندین بار وضعیت سختی روی داد که سرنگون شدن رژیم شوروی در صورت باقیماندن منشویکها و فرم نیستها و دموکراتهای خرده بورژوا در داخل حزب ماقطعی بود..." (جلد ۲۵، ص ۴۶، چاپ روسی)

بدین ترتیب متوجه می شویم که لنین سقوط و سرنگونی رژیم شوروی را از طریق عدت یافتن عناصر فرم نیست و رویزیونیست ممکن می داند و در همین رابطه است که رفیق استالین می گوید:  
"مبارزه بی رحمانه با این عناصر و طرفدار آنها از حزب شرط اولیه موفقیت در مبارزه با امپریالیسم است... اگر حزب ما در مصوف خود ما رتفها و دانا و اپورتوسوفها و اکلردها را می داشت نمی توانستیم شاهراه افتاده حکومت را بدست بگیرد و دیکتاتوری پرولتاریا را تشکیل دهد. از جنگ داخلی پیروزمندان خارج شود. اگر حزب ما موفق به ایجاد وحدت داخلی و همبستگی بی نظیر مصوف خویش شد قبل از همه علتش این بود که بموقع توانست خود را از لوث وجود اپورتونیسم پاک کرده انحلال طلبان و منشویکها را از داخل خود بیرون اندازد. ترقی و استحکام احزاب پرولتاریائی از طریق تطهیر آنها از اپورتونیستها و فرم نیستها، سوسیال - امپریالیستها و سوسال - رویزیونیسم، سوسیال - وطن پرستان و سوسیال - پاسیفیستها انجام میگردد حزب با تصفیه خود از عناصر اپورتونیست استحکام می یابد." (راجع به اصول لنینیسم)

حزب کمونیست بلشویک لنین، حزبی کبیا انجام رساندن انقلاب سوسیالیستی در روسیه در تاریخ بشریت مرحله جدیدی را گشود. پس از یک دوره از تاریخ پرشکوهش به ما دن رویزیونیسم در غلتید. مسلماً رویزیونیسم در حزب بلشویک یک شبه - زل نشد، بلکه با توجه به شرایط زیربنائی و روبنائی جامعه، طی سالها با متعاندی و گام به گام در درون حزب ریشه یافت و دامنه پیدا کرد تا اینکه بالاخره پس از مرگ رفیق استالین و بروی کار آمدن دارودسته رویزیونیستی خروچچکی - دستگاه حزبی غلبه پیدا نمود و شوروی سوسیالیستی را بیست یک کشور سوسیال امپریالیستی جهشت بخشید. ما توضیح این تحولات را به گفتارهای

دیگرو می گذاریم و در عین حال می گوئیم تا نوشته های انحرافی چریکهای فدائی و دیگر نیروهای مشابه را به نقد بکشیم. نویسندگان این گونه مقالات با ردیف کردن یکسری نقل قول از بزرگان سوسیالیسم علمی - که ربطی به مسائل مورد مشاجره ندارند - در پی آتندنا توده های سازمانی و غیر سازمانی را مغرور نمایند، ولی در حقیقت آنها خود را گول میزنند. حقیقت - مارکسیسم - لنینیسم در میان توده ها بیش از پیش آشکار خواهد گشت. این آقایان تنها کاری که می کنند سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران بومی اش را در دسته ارتجاعی کمینته مرکزی حزب توده راندن است می کنند.

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱۸

درود بر ...

موفق به تصرف ۱۰۰ هکتار از زمینهای کشت و صنعت شده و در روی آن شروع به کشت نمودند. این عمل قهرمانانه دهقانان علی آباد، زحمتکشان انبیا رده را نیز به حرکت درآورد. و آنان نیز به همراه زن و فرزند خویش به سراغ زمین ۱۰ هکتاری "هدایتی" نام مزدور رفته با تراکتور مشغول شخم زدن آن شدند. و بسا شور و علاقه، فوق العاده ای به در زمین برجس کشیدند. دهقانان در این کار بقدری مصمم و قاطع بودند که شگایت "هدایتی" و مداخله و تهدید زاندا رها نیز کاری نتوانست از پیش برد. دهقانان قهرمان علی آباد انبیا رده به طور اشتراکی روی زمینهای تصرفی کار میکنند.

## مبارزات روستایان چنگاز - آمل -

"چنگاز" نام روستائی است که در ۹ کیلومتری آمل قرار دارد. این روستا ۶۰ خانوار دارد که جنبه اصلی اقتصاد آنرا کشاورزی تشکیل میدهد و در کنار کشاورزی "دامداری" نیز به عنوان رشته خود مصروف رواج دارد. از چند سال پیش فردی بنام فرخ نادرخانی با سطح نمودن ۱۰۰ هکتار از چراگاه جنگلی روستا تنها چراگاه روستا را از آن خود ساخت. این فرد در طی چند سال قبل با حمایت عمال رژیم سرسریده از هجگونه آزار و اذیتی در حق روستایان "فروگذار نکرد". از اینرو همراه با او حکمیری مبارزات در یک ساله اخیر، بیگان نیز مبارزه خود را متوجه تصرف اراضی این فرد مزدور گذاشتند. سعد از قیام مسلحانه، بهمن ماه و فرار فرخ نادرخانی روستایان در مصدد برآمدن از طریق قانونی اقدام به مصادره این اراضی بکنند که هر بار با مامح کاری مقامات مسئول روبرو می شدند. تا اینکه بالاخره روستایان موفق می شوند موافقت فرماندار آمل را جلب نموده و از طریق شورای پنج نفره به تصاحب اشتراکی اراضی پرداخته و به شخم و بذر پاشی اقدام کنند.

روستایان قهرمان چنگاز دسته جمعی و با قوت تمام زمینهای خود را شخم میزنند و اتحاد خود را مستحکم می گردانند.



## ریشه‌های بحران مسکن در ایران - ۳ -

مقاومت رزم سابق با وفا حت هرجه بیسری ادعا میگردند که مسئله افزایش سرمایه آورینه مسکن بر اثر افزایش درآمد مردم و با ازمه خنده - دار بر سر اثر افزایش دستمزد کارکنان - ساختمان است!! برای اینکه به عمق بیسری درآمدی چنین جریانی بی سرمایه لازم است ابتدا دستمزد تویم که هزینه مسکن مثل هر کالای دیگری مشکل آزد و جز است: ۱ - سرمایه - ساخت که از قیمت زمین و مصالح بکار رفته در ساختمان، مالیات و غیره تشکیل میشود. ۲ - سرمایه معسر که شامل پرداخت دستمزد کارگران می باشد. اکنون با درک این مسئله به ارقام جدول ۶ توجه کنید.

سال	زمین	معالج	دستمزد
۱۳۵۳	۱۰۰	۱۰۰	کارگران اختصاصی ۱۰۰
۱۳۵۲	۱۲۶/۶	۱۰۵/۲	۱۴۷/۱
۱۳۵۵	۲۰۵/۵	۱۲۰/۶	۲۰۵/۱
۱۳۵۶	۳۱۰/۰	۱۵۷/۳	۲۷۵/۶
۱۳۵۷	۲۷۱/۵	۱۵۶/۱	۳۲۴/۴

جدول ۶ - ساخت عوامل عمده هزینه ساختمان واحد - کپان ۲۲ مرداد ۵۸ (۱۳۵۳ = ۱۰۰) همانطور که مشاهده میشود در میان ارقام مذکور تا حدی قیمت زمین سرمایه را عوام مل دیگر منجمده دستمزد کارکنان ساختمان رشد کرده است. یعنی در سال ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ مجموعاً درصد بالا رفتن قیمت زمین از درصد بالا رفتن مزد کارکنان سرمایه است و تنها در سال ۵۷ است که بدلیل شرایط اضطراری خرید و فروش زمین نسبتاً را گذشته و قیمت آن نسبت به مزد کارکنان پیش آمده است اما این فقط یک جنبه قضیه بود. جنبه دیگر و مهمتر قصه نقش و سهم هر یک از عوامل فوق در افزایش هزینه ساختمان می باشد. زیرا این سه عامل بهیچ وجه نقش مساوی در تعیین هزینه ساختمان ناهمبند گردانند و اما نیز نشان میدهد که همواره سهم هزینه زمین در هزینه کل ساختمان همواره رو به افزایش بوده و برعکس سهم مزد کارکنان نسبت به هزینه ساختمان کاهش یافته است. بعنوان مثال در سال ۵۴ ۴۰/۶۵٪ هزینه ساختمان مربوط به ارزش زمین ۲۰/۸٪

مصرف مصالح ساختمانی و فقط ۱۳/۸٪ صرف هزینه دستمزد کارکنان میشود. بعبارت دیگر حتی اگر افزایش ناخص زمین، مصالح ساختمانی و دستمزد کارکنان ساختمانی بکمان باشد، فقط ۱۳/۸٪ از افزایش قیمت زمین مربوط به افزایش دستمزد کارکنان است حال آنکه ۶۵/۴٪ از این افزایش مربوط به افزایش قیمت زمین میباشد. از همه این مطالب نتیجه ای که گرفته میشود این است که اولین گره اصلی و مسئله اساسی مسکن در واقع مسئله زمین است. مسئله زمین نیز همانطور که قبلاً گفتیم مربوط است به مسئله مالکیت خصوصی اجناسی بر آن و بدین ترتیب روشن میشود که در کشور وابسته ای چنین کشور ما که مالکیت انحصاری از سوی قشری کوچک از سرمایه داران و زمینداران بزرگ وجود داشته است چرا مسئله مسکن اینقدر جنبه حادی بخود گرفته است.

دومین مسئله اساسی مسکن تضاد بین شهروده می باشد. طب مالکیت از دهقانان و تولیدکنندگان خرد کالا و کهنه شدن آنها از زمین و سران نیز نشان بسوی شهرها و مستقر شدن در اطراف شهرهای بزرگ در گودها، حلبی - آبادها ... همواره به مسئله مسکن جنبه حادی می بخشد. اطلاعات ارضی امپریالیستی ۴۱ در واقع نقطه عطفی بود برای حرکت سریع و شتابان نیروی کار آزاده شده دهقانان بسوی شهرها. در واقع این نیروی عظیم انسانی بخاطر آنکه انحصارات امپریالیستی و سرمایه های وابسته ایران را به بازاریاروسیع فروش کالاهای خارجی مبدل کرده و جلوه هرگونه رشد صنعت داخلی را سد کرده اند نمی تواند حتی جذب بازاریار خلی گردد. انبساط کشت و ریزی که ریشه اصلی آن در همان تسلط انحصارات امپریالیستی و وابسته بر کشاورستان زمینه تشدید مهاجرت دهقانان به شهرهاست که یکی از عوارض آن همان تشدید بحران مسکن می باشد.

همانطور که قبلاً گفتیم مسئله زمین خواری و کسب سود از این رشته همواره در اقصا دنیما ر - گونه ایران وجود داشته است. لیکن ما عملاً از سالهای ۵۰ بعداً هدر شد حیرت آور سرمایه گذاری در این بخش اقتصادی هستیم زیرا نرخ سود در رشته های تولیدی صنعتی به طریقت وابستگی آن به تولید امپریالیستی و تورم

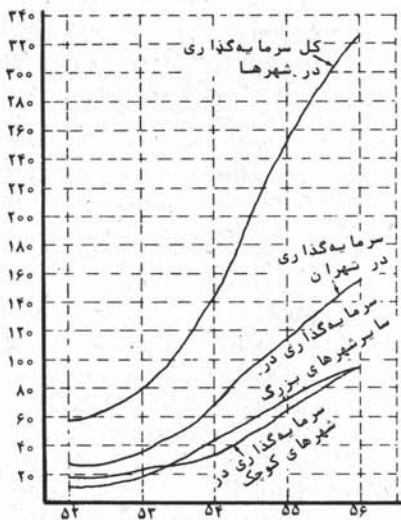
(مبلغ به میلیا در برابر)

سال	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	متوسط رشد سالانه (%)
بانک رهی ایران و صندوق پس اندازان	۶/۵	۶/۸	۱۱/۰	۱۶/۹	۳۶/۲	۴۲/۳	۴۵/۴
بانک ساختمان	-	-	۰/۸	۲/۱	۲/۷	۷/۱	۱۰۴/۵
شرکتهای پس انداز و وام مسکن	۰/۸	۱/۵	۳/۴	۷/۰	۲۷	۲۵/۵	۱۰۲/۳
بانک رفاه کارگران	۵/۲	۶/۸	۱۰/۲	۱۵/۵	۲۵/۴	۲۴/۸	۳۶/۶
سایر بانکها	۶/۷	۸/۴	۱۰/۸	۲۵/۸	۳۵/۸	۳۵/۹	۰۹/۹
جمع کل	۱۹/۲	۲۲/۵	۳۶/۲	۶۷/۴	۱۲۷/۱	۱۳۵/۶	۴۷/۹

ماده - بانک مرکزی ایران، مجله سال ۱۳۵۶

وارداتی که از این سالها همواره سیر صعودی می یافت دیگر قادر نبودند اشتیاق سیری نا پذیر سرمایه داری وابسته ایران و در برابر آن باند دربار را که در پی نرخ سوده های بیش از ۱۰۰ در صد بودند ارضا کند. در واقع بالا رفتن قیمت نفت سبب گردید که بشدت نرخ کالاها و مواد اولیه امپریالیستها رشد کند. انعکاس این امر در داخل ایران، روی آوردن سرمایه های انحصاری به سوی بورس بازی زمین و ساختمان سازی بود.

نمودار ۴ - سرمایه گذاری خصوصی در ساختمان (میلیا در برابر)



در رابطه با آنچه در باره فروزی سرمایه به گذاری در این بخش دیدیم، توجه به بانکهای اختصاصی مسکن نیز با اهمیت است. بانکهای کوروش، عمران و صندوق اکباتان عمده ترین موسسات مالی وابسته به بخش خصوصی اساساً در زمینه مسکن سرمایه گذاری کرده اند. دو بانک مهم دولتی نیز یعنی بانک رهی و بانک رفاه کارکنان در انطباق با خط مشی واحدی با بانکهای فوق الذکر بوده است که مجموعاً منافع سرمایه داری وابسته و در برابر آن باند دربار و انحصاری ترین سرمایه داران وابسته را نمایندگی می کردند. نگاه به وضع بانکهای مذکور نشان میدهد که چه اشتیاق سیری نا پذیر برای جذب سود توسط این قشر غارتگر در این سالها وجود داشته است. مثلاً شرکت پس انداز و وام مسکن کوروش در سال ۱۳۵۰ با سرمایه ای معادل ۳۰۰ میلیون ریال در تهران تشکیل یافته در صفحه ۱۳



بقیه از صفحه ۴ دو سند ...  
خائن ترسو است .  
سند دیگر هم که به امضای بازرگان و آقای  
فرورهر است ، بخوبی گویاست و به توضیحی  
احتیاج ندارد .  
(دو سند را که کلیشه شده ملاحظه میکنید )

دولت نوقت جمهوری اسلامی ایران  
نخست وزیر



شماره .....  
تاریخ .....

دولت نوقت جمهوری اسلامی ایران  
نخست وزیر

شماره ۲۸۵۲  
تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۵۸



شورای محترم انقلاب اسلامی

لاایحه قانونی لغو قانون سهم کردن کارگران در منابع کارگاههای  
صنعتی وتولیدی مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۱۷ که در جلسه مورخ ۵۸/۶/۳ تا ۵۸/۶/۳  
هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران رسیده است تصویب  
شورای انقلاب اسلامی به پیوست ارسال میگردد . ب

نخست وزیر  
سیدی بازرگان

لایحه را از تجربه شروع کنند و نتوانیم کردن  
در صدر آن نیا شد کم اثر یعنی سه دارد

توطئه‌ها نقش بر آب می شوند ۵۸/۶/۱۲

اما سرانجام توطئه های هیئت حاکمه برای عدم  
پرداخت "سودویژه" به کارگران نقش بر آب شد  
زیرا که چنین عملی نمیتوانست موجهی از مفاو -  
مت و اعتمادات کارگری را بدنبال داشته باشد.  
کارگران از همان زمان که مزه و صحبت می نمودند  
پرداخت سودویژه بمیان آمد اما مدتی خود را  
برای مبارزه با دولت و سرما به داران ، برای  
گرفتن سودویژه که چیزی جز مقدار کمی از مزدشان  
نیست ، نشان میدادند . بنا بر این "شورای  
انقلاب" فعلا بطور موقت تصمیم گرفت که در  
سال جاری سودویژه ، کماکان پرداخت گردد .  
اما "شورای انقلاب" راه برای بازپس -  
گرفتن این حق را باز گذاشته است .  
در توضیح بنا به اخبار شورای انقلاب که روز  
شنبه ۲۴ آذر ماه انتشار یافته است ، میخوانیم  
"نظریه اینک قانون سهم کردن کارگران می -  
بایست ... به موقع بررسی وتصمیمات مقتضی  
در این مورد گرفته شود ، لذا بعلت ونبودن وقت  
کافی وعدم چنین بررسی در شرایط کنونی مقرر  
میگردد که حق سهم سال ۵۸ کارگران ....  
بشرح زیر پرداخت گردد ."

ملاحظه میکنید که "شورای انقلاب" صرفاً "به  
علت نبودن وقت" و "با بهترین توکلیم ترس از  
مقاومت یکبارچه کارگران ، تن به پرداخت  
"سودویژه" در سال جاری داده است . بنا بر این  
کارگران مبارزان و وظیفه دارند با توضیح این  
موضوع کارگران را آگاه و هشیار سازند تا در  
آنگاه سیر "شورای انقلاب" ، دولت نتوانند  
این حق را ازیربا کدازند .

لاایحه قانونی لغو قانون سهم کردن کارگران در منابع کارگاههای صنعتی وتولیدی  
مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۱۷ و اصلاحات مصوب مجلسین سنا و شوراپلی

ماده واحده : از اول فروردین ماه سال ۱۳۵۸ شمسی لایحه قانونی سهم کردن کارگران در منابع کارگاههای  
صنعتی وتولیدی مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۱۷ هیئت وزیران و اصلاحات مصوب ۱۳۴۳/۳/۱۸ و -  
۱۳۴۸/۹/۱۹ مجلسین سنا و شورای ملی لغو میگردد .  
تیمبره ۱- متوسط سود ویژه برآنه پرداختی در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در کارگاههای مشمول در تصدات  
کارکنان در فروردین ماه سال ۵۸ ضرب می شود تا مبلغ قابل پرداخت بدست آید پس از کسر  
حداکثر معادل یکماه حقوق کارگران در سال ۵۸ برای پرداخت عیدی از آن مانده احتمالی به منظور  
مسأوی بین کارکنان مشمول مشاغل تقسیم و به مزد روزانه آنها پس از اجرای موصوبه مورخ  
۱۳۵۸/۴/۱۸ شورای عالی کار از اول فروردین ماه ۱۳۵۸ افزوده خواهد شد .  
تیمبره ۲- در صورت بروز اختلاف در اجرای این قانون رای هیئت حل اختلاف موضوع ماده ۴ قانون کار  
قطعی و لازم الاجراست .  
تیمبره ۳- دولت موظف است در ظرف سه ماه طرح قانونی لازم برای مربوطه ساجتن و متعاقب کردن دستورها  
و یاداشتهای کارکنان موسسات صنعتی با میزان تولید سالانه و درآمدهای حاصله تهیه و  
پیشنهاد نمایند . ب

نخست وزیر

وزیر کار و امور اجتماعی



هما نگونه که شرکت در مبارزه خدا میربا -  
لیستی بوده ها در سراسر کشور در همین رابطه  
افشای ما هیئت هیئت حاکمه . بمعنوان همدست  
و حامی امیربا لیسیم که علیرغم ادعای تضادهاشی  
با امیربا لیسیم منحدبان خلق را سرکوب می -  
کنند ضرورت اساسی دارد ، در اینجا شرکت در  
مبارزه خدا میربا لیستی و خدا رنحای نموده ها و  
افشای مواضع هیئت حاکمه و لیبرالها بمعنوان  
مدعیان دروغین مبارزه برای آزادی و بسپرد  
خدا میربا لیستی و بمعنوان فاحشه های عریسه  
سیاست ، در هر حرکت نموده ای از ضرورت شایسی  
برخوردار است .

بیرتوان با دمبا رزات خدا میربا لیستی و ضد  
ارتجاعی ننوده هسا !  
تنگ و نفرت بر سازگان "مدعیان آزادی" !  
تنگ و نفرت بر مرتجعین "مدعیان عدل  
امیربا لیستی !

ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
" کمیته آذربایجان  
۵۸/۹/۱۶

بقیه از صفحه ۱۹ کارگران ...  
جمهوری اسلامی ( حزب خرده بورژوازی مرفه  
سنتی که در اتحادیبا لیبرالها و حامی امیربا لیسیم  
با لیسم دست به سرکوب خلق زده است ) برودونه  
بدنبال حزب جمهوری خلق ملطمان ، حزب -بخشی  
از لیبرالهای خدا انقلابی و احزاب سیمه آن .  
چه بسا که این احزاب در کشمکش بر سر  
قدرت ، طبقه کارگر و نموده های ستمدیده را  
و شیقه سهمبری بیشتر از قدرت ، برای خود  
نمابند و در این کشمکش خون زحمتکشان ما  
ریخته شود . وظیفه طبقه کارگر ، نموده های  
خلق ما و نیروهای کمونیست و انقلابی است که  
نموده ها را از این درگیری برحذر داشته و  
نگذارند خون زحمتکشان بر سر نمایند .  
حاکمه و لیبرالها برای تقسیم قدرت به در رود ،  
طبقه کارگر و نیروهای طرفدار آن وظیفه  
دارند با افشای مواضع هیئت حاکمه و لیبرال -  
های بیرون از هیئت حاکمه ، برای نموده های  
خلق ، آنها را از زیر رهبری بورژوازی خرده -  
بورژوازی مرفه سنتی خارج ساخته و حول شعار -  
های دموکراتیک طبقه کارگر متشکل نمایند . هم  
اکنون یگانگانه تا کنیک درست دان من زدن سسه  
مبارزه خدا میربا لیستی و خدا رنحای نموده ها

شبه از صفحه ۷ گزارشی از ...

با ساداران برای حفظ انتظامات به ده اعزام مسوود که بدلیل برخورد های جالب اهالی و سدا رکار توضیحی کافی به آنها ، ظاهراً باید از آن سرمواع روستا شان را ناشد میکنند . روز سه شنبه ۵۸/۸/۸ اعطای نورا به اراک می آمد و برای رسیدگی به پرونده به کتیبیون ۵ نفری گذریش آبیاسخانی ( ملاکده سپید ) آمد می روند ولی از آنجائی که رئیس کتیبیون خود الکا است ، سفح ارباب نظرمی دهد . این مجموع با اعتراضات شدیدا اعطای نورا رو برود ، در نتیجه پرونده به دادستانی انقلاب ارجاع گردید و ما در همین روز به دستور رئیس کتیبیون که برای ما ساکا محل فرستاده شده بود تا حتماً با ساکا عمال و ماسران اسنسن جانی می خواهند اما بعد از چندین سوخت یکسند که با موخ ستر آسای جمعیت گذاشتند و کتیبیون با ادا روی زمین ما را بدو آتو فوسیب سدا سوخته انجمن و " بزرگ بر سلیمان " کتیب سدا اعطای نورا شد و پرونده سوخت ، و با جارا غلبت شخصی میکنند .

ما بورس روز چهارشنبه ۵۸/۸/۹ ستر سنا متا وقت برود و پرونده وار چند سوخته جود - ناری میکنند . اهالی روستا برای جلوگیری از احمال حمله اذنی سلیمان جان سنا استناد ا رستا سنا سدا اراک و راندا رمی سنا سنا سنا اراک را جوین کرده و چند ادا رمی - جواهند کرده مستر سون . روستا سلیمان جورا امد هائی بعد از ما م دانستد و سترای همین دیار رخ ۱۲ آمان نگان سدا جانی - سرده که سوخت و چند سدیگی نمی بود پس از آن آنها با نا طبع دست کار می سوند .

در روز سه شنبه ۸/۱۷ میل عظیم جمعیت ما چند و کوسید کتیب ۱۲ حزب سوخته را در تری ۳ ساعت می جمند پس از چند سوخته در نا لیکه سدا سنا همه در سدها شان زحمکش بود . جرا حتماً می بردا حمو غلبه مسردو ر روستا رمی سدا اراک دید . کدا لند در همین روز انجمن در نا لیکه اهالی معمول جسدن سوختد و سترش ساکا دو حدمورد ستر که کوسا ای جدن سوخته سفح سلیمان آمده بودند . نا جمعیت غلبتی که در حال جسدن سوخته جود بود و پرونده سوختد و جرای حر این نمی سید که صورت طسدا ای سهد کنند کدا رید سفح اس غا ریکر با سکا محالفت اهالی روستا سوختد و صورت طسدا را ما سدا کسان اهالی می سوختد و با املا اهالی سدا آنها می دهند که انصورت طسدا سانی نا طبع و انقلابی ا طرت سورا سوختد سمود . نمونه ای ا رانجه کدر صورت طسدا آمده بود یکی اسنن سوختد سوخته اراک اهالی بوده و کشاورزان و خوش سنان همگی اقدام نداشتن آن کرده و برکی اراک سلیمان جان خا سلوکی نخواهم داد . سارا جدن سوختد و سورا مصمم میکنند کد سوختد اسنن اهالی نسیم کند . خوکگی نسیم سراج می دهم :

۱ - اهالی ۲۲۰ خا سواری با سدا که آنها را نسیم ۲۲۰ گروه ۱۰ نفری میکنند و هر ۱۰ نفر یکی را سرگروه انتخاب کرده و سرگروه ۹۰ نفر دیگر را برای آوردن سوخته مطلع میسازند .

۲ - چند نفر قبل از آوردن سوخته ، سوخته ها

را ۲۲ قسمت کرده و روی هر یک از آنها شما رگذاری میکنند . البته با نام سرگروه .

۳ - سر ساعت مشخص سرگروهها افراد خود را خسر کرده و خیلی منظم و مرتب سهم خود را می برند .

نماح ، زمینهای ضا شده  
و کشت اشتراکی

در واقع برداشت و جیدن سوخته سفح با سی بود برای بار پس گرفتن زمینهای خود از غاصب بطوریکه سدا بر دشت بوجه و در همان روزها دهقانان ستم دیده و زحمتکش روستا به سراغ زمینهای غصب شده خود که سلیمان خان سالهای سال به سرکت زورگوئی و قلندری خود در تصرف داشت می روند . زمینهای کدا زبهرت ترسین و مرغوب ترسین زمینهای آبی قابل کشت روستا می با عدولی با لیا سلا استفاده مانده بود . و روستا شان ما ربا همان قاطعیت خود که سنا رستا ن را سدا بنا رانده بود و نند زمینها را با حاکم کرده و با همیاری و مشارکت همدیگر تمام زمینهای سلیمان خان را برای کشت آماده کرده و بعد برای سال دیگر کشت میکنند و تمام این کار بصورت اشتراکی وسدون کشیدن خط و مرزی انجام می پذیرد و هر روزه ۱۰۰ - ۱۲۰ نفر از جوانان ده به سویت روی زمینها کار میکنند . ولی نظرخود دهقانان این بود که سال دیگر موقع برداشت زمینها را بدست سنا برانه نسیم خواهند کرد .

### دروود برد دهقانان مبارزو حق طلب مازندران

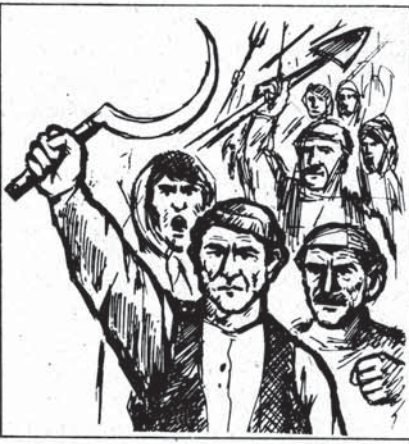
در شماره قبل اعلامه مرسوم به مبارزات دهقانی در مازندران را ما آوردیم و اینک اخبار این مبارزات را ملاحظه میکنید :

مبارزه روستا شان " شرم کلا"

در رابطه با مبارزه روستا شان " شرم کلا" حوزه مازندران سازمان تراکتی منتشر کرده که در زیر ملاحظه میکنید :

#### از دهقانان مبارز شرم کلا حمایت کنیم!

در روز ۲۹ آبان با ساداران در پی توطئه های " محمد حسن نادی" ( صاحب ۳۰ هکتار از زمینهای مرغوب " شرم کلا" ) برای دستگیری " صادق



پیروز یاد مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان!

عباسی " یکی از دهقانان مبارز و فعال " شرم کلا" به این روستا یورش میبرند و ضمن تیراندازی هوشی درده و کلاویژ شدن با خانواده او زن وی را مجروح کرده و یک نفر را همدستگیر می کنند .

بدنیا ل این جریان ، روستا شان مبارز " شرم کلا" بشهر آمده و بر علیه " قادی" دست به تظاهرات میزنند . هنگامی که روستا شان به جلوی مقر سنا ها ساداران میسند ، با سدا ران دوفرد دیگر از روستا شان را با زداشت میکنند . آنها حتی همسر صادق عباسی را هم که در سدد گرفتن گواهی پزشکی برای اثبات وحشیگری با ساداران بود ، دستگیر میکنند .

بعد از مدتی دوفرد سنا روستا شان آزاد میشوند اما همسر صادق عباسی و پسرش ، اکنون بیش از ۱۲ روز است که در زندان بسر میبرند .

ما به همراه همه تیروهای انقلابی و توده های زحمتکش ، نه تنها از مبارزات بحق دهقانان " شرم کلا" در جهت آزادی همسر و پسر " عباسی" پشتیبانی میکنیم بلکه از مبارزات حوطلبانها ۲۵ نفر از دهقانان سی زمین این روستا نیز برای گرفتن زمین ، فعالانه حمایت میکنیم و معتقدیم که مبارزات دهقانان سی زمین علیه زمینداران بزرگ ، حدا از مبارزات توده های عظیم مردم بر علیه امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا ، نمی باشد .

### درود برد دهقانان علی آباد و انبارده

روستای علی آباد که در بخش مهستان شهرستان نورد در جنوب غربی آمل بقا طسه ۱۱ کیلومتری آمل قرار دارد ، دارای جمعیتی حدود ۸۰ خانوار بالغ بر ۶۰۰ نفر می باشد . مقدار زمینهای این ده اعم از آبی و دیم حدود ۱۱۰ هکتار می شود . در این قریه ۳۱ خانوار بیش از ۲ هکتار زمین دارند و ۴۲ خانوار سی زمین هستند که در دهات اطراف به نصف کاری و یا مزدوری مشغول هستند . ما بین روستای " علی آباد" و " انبارده" کشت و صنعت " سویا" قرار دارد با مساحت ۳۵۰ هکتار . مردم این دور روستا در این کشت و صنعت بگا رکشت گندم مشغولند که مجموعاً ۴۰ روز در سال از نیروی کار دهقانان را جذب میکنند . این کشت و صنعت که در سال ۵۴ با نا - بودی جنگل و تسطیح آن و با استفاده از وام کلان ۶۰ میلیون تومانی بانک توسعه کشاورزی ایجاد شده در طول این سالها به کارگران مرد ۲۵ تومان و برای کارگران زن ۱۵ تومان در روز مزد می داده است . کشت و صنعت " سویا" مجهز به بولدوزر ، کمپاین ، سمپاش موتوری ، تراکتور و ... می باشد .

دهقانان روستای علی آباد پس از سر - نگونی سلطنت مبارزه سرسختانه ای را برای تصرف زمینهای این کشت و صنعت به انجام رساندند . که این مبارزات بحق و خواسته های مترقی آنان با مقاومت مسئول روحانیون مرفه و " کیلانی" مزدور کارگزار صاحب کشت و صنعت که متوار است روستا رو برود . اما روستا شان علیرغم این کار شکنی ها در روز اول آذر ماه بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۲۵ کارگران ...

رادیوتلوویزیون را به تصرف درآورده‌اند و بدنبال تسلیل تلگرافهای پشتیبانی شروع شد. حال ببینیم آیت الله شریعتمداری و حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان و با شمار اطلاع ماهه ۱۱۰۰ چاهادافی رادنبال مینمایند رابطه آنها با طبقه کارگر و سوسیالیست و ما هیت شما رانها چیست؟ مخالفت آنها با آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی، حزب حاکم، از چه نوع است؟

برای درک موضوع کمی بمقرب برگردیم.

آیت الله خمینی با شاه مبارزه میکرد و در سرنگونی شاه سرسختانه ایستاده بود ولی در همان زمان هم روشن بود که مخالفت آیت الله خمینی با آمریکا، قاطعانه نیست و معمولا آمریکا را با خطا طریقی از شاه میگوید و هرگز از پایگاه اصلی امپریالیسم آمریکا، یعنی سرمایه داری وابسته و ناپاوی آن بعنوان برنماه انقلاب حرفی بمیان نمی آورد و فقط از این دیدگاه به افشای قراردادها و ... می پرداخت. ملاقات وی در پاریس با رمزی کلارک و بعد شرکت بهشتی مزور به نمایندگی او در مذاکرات با زرگان - هویزر نیز تزلزل و سازشکاری آیت الله خمینی را نشان میدهد. آیت الله خمینی با شعار "ارتش برادراست" یکی از ارکان اصلی امپریالیسم آمریکا - چرا که ارتش دست پرورده آمریکا است - را در ایران حفظ کرده و توده های ستمدیده و نیروهای انقلابی را از نابودی ارتش فدا خلقی و سرسپرده و ایجاد ارتش خلقی بازداشت و هرگز از توده ها دعوت نکرده که علیه شاه مبارزه مسلحانه کنند. آیت الله خمینی بدلیل اینکه تحت رهبری طبقه کارگر و ناپاوی سیاسی آن قرار نداشت بلکه حتی نماینده اصناف، دهقانان خرده پرا و زمینداران نبود بلکه بیشتر نماینده کاسبک - ران پولدار بود، هرگز نمی توانست علیه امپریالیسم مبارزه قاطعی را انجام دهد و با ناخوشی و بدنبال با زرگان این لیبرال خاشاک افتاد. در جریان قیام، تنها سلطنت که شوک سرمایه داری وابسته بود از بین رفت و خموند بدنه یعنی سرمایه داری وابسته با برجا ماند و اما در مورد نمایندگان سرمایه داران ولیبرالها، آنها نیز علیه شاه مبارزه میکردند، اما آنها فقط از اومی خواستند که آنها بفرستند بنشینند تا برای آنها نیز با وجود آنها نیز بغارت طبقه کارگر و توده های ستمدیده بپردازند. نمایندگان این گروهها، نهضت آزادی، جبهه ملی، آیت الله شریعتمداری، کانون وکلای دادگستری و ... بود. آنها خواهان رعایت قانون اساسی (قانون اساسی شاهنشاهی) بودند. آنها به این بهانه که با یکدیگر مبارزه کردند میگفتند "شاه با پدیدماندا ما سلطنت کننده حکومت". آیت الله شریعتمداری سه ماه بعد دولت شریف امامی مهلت داد تا کارها را روبراه کند. آنها از انقلاب صدبار بیشتر می ترسیدند (و می ترسند) تا از فساد انقلاب.

حال ببینیم بعد از قیام بهمن ماه آیت الله خمینی و شریعتمداری و حزب مربوط به آنها، حزب جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی خلق مسلمان، چگونه با امپریالیسم و مبارزات توده ها برخورد کرده اند، تا ببینیم دعوی

فعلی بر سر چیست.

آیت الله خمینی بر اثر اینکه خود برنماه ای نداشت و بر اثر پایگاه طبقاتی خود نمی توانست نفوذ و سلطه امپریالیسم را کما ملای قطع کند و ما شین دولتی عظیم (ارتش، ادارات دولتی، شهرت و ... ) را که یک انقلاب واقعی و کامل می توانست همه آنها را نابود کرده و دستگا های دیگری متشکل از کارگران، دهقانان و زمینداران درست کند، در اتحاد با لیبرالها (با زرگان و ...) که بله بودند چگونه با این دستگا های زی کنند، یعنی چگونه با آن به استثنای توده ها بپردازد و خود نیز در آن شریک شود و به همراه سایر سرمایه داران وابسته که هنوز باقی مانده بودند، دولتی تشکیل دادند. این دولت که با رها مودت با آیت الله خمینی قرار گرفته است، چکار انجام داده است؟ این دولت به سرمایه های وابسته دست نزده است و برخی از آنها را بجای ملی کردن واقعی یعنی معادله و اداره آن توسط کارگران و دهقانان، دولتی کرده است یعنی سهام آنها را از ورشکستگی نجات داده است، به قراردادهای نظامی ایران در آمریکا دست نزده است (فقط در این اواخر اثر مبارزات توده ها، شورای انقلاب مجبور شده است یکی از آنها را لغو کند) این دولت که مودت با آمریکا اما نبود ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خرید تا با آن خلق کرد را سرکوب کند، دولت ضد امپریالیسم را تا ما شناخت! خلق ما مبارزه کرده است تا از غارت منابع جلوگیری کند، از اسباب اسلحه شدن ایران جلوگیری کند، آنوقت همان دولتی که ادعای نمایندگی خلقها را دارد، همان کارها و رژیم سابق را (خرید اسلحه از کیه ملت و سرکوب ملت) را میکند به قراردادهای ایران با امپریالیستها و از جمله نفت دست نزده است و همچنان امپریالیستهای نفت ما را با غارت می برند. خواستهای بحق خلق کرد را سرکوب کرده و وقتی به تکلیف مفتضا تها نپردازی می شود، سعی میکند با مذاکره با حزب دموکرات، حزب سازش و خیانت، نیروهای انقلاب را منفرد کرده و آنها را سرکوب کند. حال که مبارزه توده ها اوج گرفته، دولت بدلیل اختلافات درونی خود و نا رضایتی توده ها و روشن شدن ماهیت این دولت مودت با آمریکا، کناره رفت (ولی این کارگران خاشاک دوباره در شورای انقلاب عضویت یافت و دوباره به "خدمات" خود ادامه میدهد).

اما آیت الله شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان چه موضعی گرفته اند؟ مبارزه بین این حزب و سران آن با رژیم، مبارزه بر سر منافع خلق نیست، مبارزه بر سر تقسیم قدرت می باشد. آیت الله شریعتمداری بارها از سرمایه داری و از اینکه مالکیت اسلام - محدود است دفاع کرده است. معنای این چیست؟ مگر شما توده های زمیندار، کارگر دهقان و اصناف خرده پرا بر علیه رژیم مبارزه نکرده بودید که نماینده سرمایه داران وابسته بود و از آن حمایت میکرد؟ مگر بزرگ شین سرمایه بقیمت فقر و سیه روزی زمینداران نیست؟ پس چرا در اسلام که آقای شریعتمداری معرفی میکند اینقدر سرمایه داری و مالکیت محترم است؟ یا مگر آیت الله شریعتمداری بارها از با زبانی این ارتش ضد خلقی دفاع نکرده است؟

آیا حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان و سران آن مدافع خلق کرده اند؟ مگر خود شریعتمداری در جریان "پاوه" همصدا با هیئت حاکمه شده؟ مگر از ارتش خواست "فد انقلاب - سیون" (خلق کرد) را در پاره و سرکوب کند؟ حال چه شده است که مدافع خلق کرده اند؟ مگر آیت الله شریعتمداری نبود که وقتی کارگران مبارز کارخانه توکلی بعلت کارشکنیهای کارفرما، کارخانه را بدست خود گرفتند، آنها را غاصب نامید و از توکلی حمایت نمود؟ همیس "میرزا نجف" که امروز از زرگان "مجاهد" در رادیوتلوویزیون انتقاد میکند، همان کسی نبود که توکلی را برای تحمیل کارگران به کارخانه توکلی می برد؟ مگر همین پسر آیت الله شریعتمداری نبود که بعد از روزها تحمیل و اعتصاب غذای کارگران سبک را در شاه کارگران با وعده وعید میخواست تحمیل آنها را در هم بشکند؟ و آیا کمیته های وابسته به حزب جمهوری خلق مسلمان نبودند که در سرکوب تظاهرات کارگران و بیکاران شرکت نمودند؟ بدین ترتیب روشن میگردد که با کسان وقتی شما اطلاع ماهه ۱۱۰۰ را بر سر پیش شعارهای دموکراتیک مطرح می سازد و وقتی از موکراسی و "انحطاط طلبی" سخن می زند چه منظوری دارد و چرا از هیچکدام را خواسته های صدا میریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته کارگران و توده های ستمدیده پشتیبانی نمی کند.

منظور آنها این است که حق مسلم و سهمی از قدرت به آنها داده شود. آنها و احزاب بنیان هیچگاه نمی توانستند مدافع خلق باشند. حزب ایران، حزب پان ایرانیست، حزب اتحاد دپری آزادی بی احمدی، آنگند سابقه نشان روشن است که دیکر نیازی به اسنای ماهیت آنها نیست.

کارگران و توده های ستمدیده! ره طبقه کارگر و توده های ستمدیده بر علیه امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا و ارتجاع حامی آن همچنان ادامه دارد. جناح حزب جمهوری اسلامی از این مبارزات سوا استفاده کرده و خود را پیشرو مبارزه علیه امپریالیسم نشان میدهد. در عمل هیچ اقدام قاطعی برای قطع نفوذ و سلطنت امپریالیسم نشان نمی دهد. آنها بودند که با استفاده از احساسات ضد امپریالیسمی توده های سااگانه قانون اساسی ارتجاعی را بسط و تصویب رساندند.

حزب جمهوری خلق مسلمان نیز با استناد از احساسات توده ها بر علیه این قانون ارتجاعی می خواهد خود را پرچمدار آزادی و مبارزه ضد امپریالیسمی نشان دهد، در حالیکه واقعیت گذشته های آنها جز این زان نشان میدهد. خلق ما بعلت نبود رهبری طبقه کارگر و حزب آن در انقلاب دموکراتیک نتوانستند خواستهای خود را عمل بپوشانند. طبقه کارگر با پدید آمدن توده های فدا طلبه امپریالیسم و ناپاوی نظام سرمایه داری وابسته در ایجاد حزب طبقه کارگر و رهبری توده های خلق بسویله این حزب می با نداشتند که طبقه کارگر در مبارزه خود با حفظ استقلال طبقاتی و سایر خواستهای مستقل خود نباید بدنبال حزب بقیه در صفحه ۱۷



### گرامی باد خاطره سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان

با دسامبر ۱۳ سن از شهادت  
"بخش منشعب از س.م.ج.ا."  
را در شماره های قبل آوردیم.  
اس عهدا عبارت بودند از:

- ۱ - رفیق شهید محمد حاج تقی میهنپناه (فتح الله)
- ۲ - رفیق شهید صادق فردنقوی (مرتضی)
- ۳ - رفیق شهید فاطمه سنگچی (سبحت)
- ۴ - رفیق شهید هاشم ونسق بیور (لطیف)
- ۵ - رفیق شهید حوریه محسینان (صدیقه)
- ۶ - رفیق شهید احمد صادق قهاره (حسن)
- ۷ - رفیق شهید محبوبه افراز (زهرا)
- ۸ - رفیق شهید حسن سبحان اللهی (ستار)
- ۹ - رفیق شهید ابراهیم داوود
- ۱۰ - رفیق شهید اکرم صادقپور (سربین)
- ۱۱ - رفیق شهید محمدرضا آخوندی (داوود)
- ۱۲ - رفیق شهید سیمین تاج جریبری (اکرم)
- ۱۳ - رفیق شهید رمضان افراز

و اینک یادنامه دو شهید دیگر از تیزمی آوریم:



#### گرامی باد خاطره رفیق شهید



نرگس  
فجر عضا دنلو

جنايت پيشه بخانه رفیق نرگس نيز دست يافت  
و در تاريخ ۱۷ مهرماه ۵۵ هکداميکه رفیق  
و اردخانه ميندا ورا محاصره کرد. در جريان اين  
درگیری مسلحانه رفیق نرگس شهيد و با احتمالاً  
زخمی و سپس زير شکنجه بشهادت رسيده است.  
رژيم خونخوار شاه، ايلها نه منور ميکورد  
که با ريختن خون نرگسها خواهد توانست، ميهن  
ما را به جزيره ثبات و آرامش تبديل کند و  
مردم قهرمانان را براي هميشه در اسارت  
نگهدارد. غافل از اينکه با ريختن خون نرگس-  
ها، ميليونها نرگس درميهن ما بيا خواهند  
خاست و ديديم که چنين شد.  
ما با ديگرها با اين رفیق شهيد را گرامی  
ميداريم و بخون پاکش سوگند مياديم که تا  
بيروزی نشانی انقلاب تا تمامان راهش را  
ادامه خواهيم داد.

در سالهای ساهديکنا توری شاه خاش و  
سلطه همه جانبه امپرياليزم آمريکا بر ميهن  
ما، رزمندگان و انقلابيون بسياری در راه آزادی  
و استقلال ميهن جان باختند. آنها با اینکه  
شکنجه و زندان و شهادت در انتظارشان بود،  
با الهام از روح و ستم بی باقانی که سر  
زحمتگان ميروند و با خاطر عشقی که به خلق  
قهرمان خود داشتند، در راههای آنان از قيد  
ستم و استعمار به مبارزه برخاستند.

رفیق شهيد نرگس عضا دنلویکی از ايمن  
انقلابيون است. وی که فارغ التحصيل  
دانشگاه صنعتی شريف بود، مدتها در ارتباط  
علمی مبارزه کرد و از کمک به سازمانهای  
انقلابی که بطور مخفی فعالیت ميکردند، دريغ  
نداشت. رفیق شهيد عضا دنلو، مال ۵۴ بصورت  
يك انقلابی حرفه ای به بخش منشعب از زمان  
مجاهدين خلق ايران پیوست و مخفی شد. رفیق  
در راه انجام وظيفات تشکيلاتی فداکارانه تلاش  
ميکرد. از سنهای سال ۵۵ بعد، زمانیکه  
اوپا شان ساواک توانسته بودنده برخی از خانه  
های شمی و محلههای سردا عفا سا زمان دست يابند  
رفیق نرگس نيز ما نندديگر قهرمانان در تلاش  
بود تا بتواند دردهای تراکه ساواک بدانتها رسيده  
پاک کند. در کيرودار جنبش تلاشی بود که ساواک

#### گرامی باد خاطره رفیق شهید

#### بهرام آرام



بسرعت پشت سر گذاشت بطوریکه در شهر بورما  
سال ۵۰ که بورس و خشنا به و جنانکا را نه ساواک  
به سا زمان مجاهدین خلق شروع شد، او یکی از  
کادرهای کادر آزادمندان بود. بهرام پس از  
ضربه ۵۰ بلافاصله مخفی شد و از جمله کسانی بود  
که همراه مجاهد شهید احمد رضا فی فعالانه برای  
بقیه در صفحه ۹

رفیق شهيد بهرام آرام از جمله انقلابيونی  
بود که ار همان وائل حواسی نما می کارآشپهای  
خود را در خدمت مبارزه علیه امپرياليزم و رژيم  
واسته و منغورنا هاشن و مبارزه علیه استعمار  
ورهای زحمتگان از قيد و بند سرما به داران فرار  
داد.

رفیق قبل از ورود به سا زمان مجاهدین  
خلق ايران، همراه مجاهدین شهيد احمد رضا فی  
و حسب رهبری دريک گروه مبارز مذهبی فعالیت  
کرد. وی در سال ۴۸ به همراه مجاهدین شهيد  
رضا فی و رهبری عضویت سا زمان مجاهدین خلق  
درآمد.

رفیق در پرتو شور و شوق انقلابی و استعداد  
سرتاری گه داشت، مراحل اوليه آموزش را

در زبانها حوادث اخير سيرير کميسته  
آذربايجان "مبارزان بی نامی داده است که ن  
برهنه شهادتشان را مظلومانه ميکنند:

### کارگران! زحمتکشان! نوده های رزمنده آذربايجان و ايران!

استک آذربايجان بر سر حوادثی است که  
در ادامه مبارزات دموکراتيک و صدا صرکسا  
لسمی خلق و کيا کين جملات که در کور ليمراليا  
سوتوخ بوسياست. آنگاهي عذابهاست  
حوادث و سياهی های آن است که هميشه در  
سازار با طغیان و زور و زحمتکشان ميهن مسا  
و بخشوعر آذربايجان داريد.

سراسر بوسياخ جکوکي روی کار آميستن  
دولت سازگان. و ادامه مبارزه زحمتکشان  
انداد است که

دندم که چگونه زحمتکشان بر سر مسا  
گرايی نه خبايان را بخمديو کوه بر سر نهيمهای  
خاکدان حدت. اساساً رومندی و... که  
زحمتکشان را جدا غلای من خواندند. سا  
سغاز کار کيريو و راست بر ما به دارما بسود  
است. اعلام سرور است... تبليغ بصادره  
کالاهای ايران و احکام رنده رنده و با قيمتهای  
بزرگ و مغرور زيادند. دنده که جکوکيه  
زحمتکشان ما از زور و ستمی بر ما هي به بديحا و  
آخسانا هدهنده رونا لاجرده دست به مهادره خانه

مان خابدياری زند. کارگران و زحمتکشان  
در نماز را به خودی می بردند که فاسوی را که  
هنت خاکه می خوا عده رفا اندوم کدارد. در  
و ابع به وضع موجود بصورت فاسوی می بخشد.  
آنگاهي فهميدند که آس "فانوس اناسی" که  
به سا کارگران و زحمتکشان ندوس بنده است  
منظما بر ما بدياری و اسديرا به رسميت می  
ساخت. خلق سلطه و خود امپرياليزم را نمی  
بديرد. به خلقها حق تفسیر سربوت نميدهد.  
به کارگران اجازه سنگل اعجاب و... نداده  
در عوض سورا های دولتی و فرمانی را بر سر  
نوبت آنها حاکم می کند (اصل ۱۰۴) و بدی  
کاران کارها حق سکاری، به زحمتکشان ممکن  
آموزش و پيداشتمی دهد و زنان را مساوی  
مزدان مينداند (اصول ۲۰ و ۱۱۵) و با اصل  
ولایت فقيه، اصل حاکمیت خلق را زير پا می  
کدارد.

حال بيسيم اين مبارزه که از رهبری  
طنفه، کارگر محروم است چگونه مورد بهره برداری  
ليبراليا فرار می گيرد تا سهمی از قدرت بسدا  
کند. دندم که چگونه بدستال امتناع آبت  
الله شريفتمداری از دادن رای به فاسون  
اساسی و دست و پا زدن مديوحانه، هنت خاکه  
برای بونا بدن ان فعالیت و سبين جريان  
هجوم به خانه آبت به شريفتمداری، عده ای  
از مردم سير بزند عوت حزب جمهوری اسلامی خلق  
مسلمان، شروع به نظ هرات کرده و با لاجره  
بقیه در صفحه ۱۹

## پيش بسوی ايجاد حزب طبقه کارگر